

ویژه نامه محتوایی یوم الله ۱۳ آبان

روز ملی مبارزه با استکبار جهانی



新刊
御製
詩經
集解

ویژه‌نامه روز ملی مبارزه با استعمار جهانی

سیزدهم آبان‌ماه ۱۴۰۳



معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی

مهرماه ۱۴۰۳

فهرست مطالب

پیشگفتار:.....	۳
بخش اول: روز ملی مبارزه با استکبار جهانی.....	۴
مقدمه:.....	۴
۱) دستگیری امام خمینی (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳.....	۵
الف) شرح ماجرا:.....	۵
ب) آثار و پیامدها:.....	۷
- پیامدهای داخلی.....	۷
- پیامدهای بیرونی.....	۹
۲) کشتار دانش آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷:.....	۱۰
الف) شرح ماجرا:.....	۱۰
ب) آثار و پیامدها:.....	۱۳
۳) تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸:.....	۱۵
الف) شرح ماجرا:.....	۱۵
ب) آثار و پیامدها:.....	۱۶
بخش دوم: مفهوم و ماهیت استکبار.....	۲۴
مقدمه:.....	۲۴
۱) مفهوم استکبار:.....	۲۵
الف) تعریف لغوی و اصطلاحی.....	۲۵
ب) استکبار از دیدگاه امام خمینی (ره).....	۲۶

- ج) استکبار در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۲۷
- ۲) خصوصیات و ویژگی‌های استکبار: ۳۰
- بخش سوم: استکبار جهانی؛ عینیت و مصادیق ۳۵
- مقدمه: ۳۵
- ۱) آمریکا؛ سردمدار جبهه‌ی استکبار جهانی ۳۶
- ۲) کشورهای غربی؛ ایادی استکبار جهانی ۵۰
- الف) انگلیس ۵۱
- ب) فرانسه ۵۶
- ۳) اسرائیل؛ ولدِ ناپاک و عامل استکبار جهانی: ۵۹
- الف) اسرائیل؛ ولدِ ناپاک استکبار: ۵۹
- ب) اسرائیل؛ عامل سیاستها و تحقق نیات شوم آمریکا ۶۶
- بخش چهارم: استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی ۷۳
- ۱) ریشه‌یابی استکبارستیزی در اندیشه معمار انقلاب اسلامی ۷۳
- ۲) استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی (س) ۷۵
- ۳) استکبارستیزی در وصایای امام خمینی (ره) ۸۰
- بخش پنجم: دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه استکبارستیزی ۸۳
- ۱) محور اول: دستاوردهای نظامی، سیاسی و ... استکبارستیزی ۸۳
- ۲) محور دوم: دستاوردهای گفتمانی استکبارستیزی ۸۶
- ۳) محور سوم: دستاوردهای داخلی استکبارستیزی ۸۸

پیشگفتار:

در تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت‌های مظلوم، "استکبار جهانی"، مفهومی ریشه‌دار است که نماد آن را می‌توان در رفتار قدرت‌های بزرگ جهان به‌ویژه آمریکا و هم‌پیمانانش مشاهده کرد. از دخالت‌های نظامی در خاورمیانه و آمریکای لاتین گرفته تا حمایت از رژیم‌های سرکوبگر و ستمگر، همه این اقدامات به‌وضوح نشان‌دهنده ذات استکباری این قدرت‌هاست.

در شرایط کنونی نیز مفهوم استکبار جهانی بیش از هر زمان دیگری معنای واقعی خود را به جهانیان نشان می‌دهد. از یک سو، حمایت بی‌وقفه قدرت‌های غربی به ویژه ایالات متحده از رژیم صهیونیستی و جنایات آن در نوار غزه و از سوی دیگر، سیاست‌های ظالمانه این قدرت‌ها در منطقه خاورمیانه و تلاش‌های بی‌پایان برای تضعیف جبهه مقاومت، همگی نشان‌دهنده استمرار و گسترش این نظام استکباری است که از نتایج اخیر آن می‌توان به کشتار مردم مظلوم و بی‌گناه غزه، ترور سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان و اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس اشاره نمود.

در چنین شرایطی که سیاست‌های جنایت‌کارانه استکبار جهانی، ملل آزاده و مظلوم را در سراسر گیتی هدف خود قرار داده است، تقابل جدی با استکبار و هم‌پیمانان آن، به عنوان وظیفه‌ای الهی و انسانی بیش از هر زمان دیگری ضرورت پیدا کرده است. در این مسیر، به مناسبت فرا رسیدن یوم‌الله سیزده آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، **"ویژه‌نامه محتوایی یوم‌الله سیزده آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی"** به منظور تبیین ماهیت مفهوم استکبار، ویژگی‌های آن، ضرورت مبارزه و تقابل با آن و ... تهیه و تدوین شده است.

بخش اول: روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

مقدمه:

در تقویم تحولات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳ آبان‌ماه تحت عنوان **"روز ملی مبارزه با استکبار جهانی"** از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سه رویداد مهم تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه در سال ۱۳۴۳ توسط رژیم ستم‌شاهی، به خاک و خون کشیده شدن دانش‌آموزان معترض به دخالت‌های آمریکا در ایران توسط درّخیمان رژیم شاهنشاهی در سال ۱۳۵۷ و تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) در سال ۱۳۵۸ که حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) آن را «انقلاب دوم» و بزرگتر از انقلاب اول نامیدند، نماد و تجسم دشمنی و کینه‌توزی آمریکا با ملت مسلمان ایران و تلاش همه‌جانبه برای جلوگیری از حرکت و روند پیروزی انقلاب اسلامی است که در روز ۱۳ آبان‌ماه رخ دادند. با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته‌ی این حوادث در تاریخ انقلاب اسلامی، یوم‌الله ۱۳ آبان به عنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ثبت شد.

در بخش حاضر، در قالب ۳ قسمت مجزا تلاش شده است تا ضمن شرح و بررسی هر یک از ۳ رویداد مذکور و نتایج و پیامدهای آن و بیان اهمیت و جایگاه آنها در روند پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با استکبار جهانی و ایادی داخلی و خارجی آن، به این سوال پاسخ داده شود که چرا سیزدهم آبان‌ماه تحت عنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی نامگذاری شده است.

۱) دستگیری امام خمینی (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳

الف) شرح ماجرا:

در پی تصویب لایحه مصونیت قضایی نظامیان و مستشاران آمریکایی مشهور به کاپیتولاسیون، امام خمینی (ره) طی اطلاعیه‌ای تصویب آن لایحه را محکوم کرد و آن را مخالف اسلام و قرآن و قانون اساسی شمرد.^۱ ایشان ییگانگان به‌ویژه آمریکا را عامل بدبختی ملت ایران و همه ملت‌های مسلمان جهان دانست و از مردم، علما و همه رهبران دینی جهان خواست که در برابر این اعمال سکوت نکنند.^۲ حضرت امام خمینی (ره) برای افشای خیانت محمدرضا پهلوی اعلام کرد، در روز چهارم آبان سخترانی خواهد کرد.^۳ مقامات دولتی وقتی از این تصمیم ایشان باخبر شدند، شخصی به نام حسن مستوفی را به قم فرستادند که ایشان را از این کار باز دارد، اما امام راحل حاضر به دیدار با او نشد. مستوفی در دیدار با سید مصطفی خمینی درخواست کرد امام خمینی (ره) از حمله به آمریکا خودداری کند اما وی در پاسخ به او خاطر نشان کرد ایشان طبق وظیفه عمل می‌کند.^۴ امام خمینی (ره) در روز چهارم آبان، هم‌زمان با سالروز ولادت حضرت فاطمه (س) که سالروز ولادت محمدرضا پهلوی نیز بود، در حضور جمع بسیاری از مردم، در خانه خود سخترانی و در آن به‌شدت به محمدرضا پهلوی، آمریکا و اسرائیل

۱- امام خمینی، صحیفه، ج ۱، ص ۴۰۹ و ۴۱۱.

۲- همان، ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۲ و ۴۲۰.

۳- مؤسسه تنظیم، مجموعه سخترانی‌های امام خمینی، ج ۱، ص ۱۶۳.

۴- مینی، امید اسلام شهید آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی به روایت اسناد ساواک، ۱۹-۲۰.

حمله کرد و یادآور شد رژیم ایران، استقلال کشور را فروخت و دست‌نشاندهی خود را به آمریکا اثبات کرد:^۱

«... دولت با کمال وقاحت از این امرننگین طرفداری کرد، ملت ایران را از سنگ‌های آمریکایی پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسی یک سنگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند. اگر شاه ایران یک سنگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام ایران را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد...»^۲

ایشان روز تصویب این لایحه را روز عزای ملت ایران نامید و دولت و مجلسیان ایران را «نوکران» آمریکا خواند.^۳ ایشان افزون بر این سخنرانی، اعلامیه‌ای نیز صادر کرد و تصویب لایحه کاپیتولاسیون را به منزله سند بردگی ملت ایران و مخالف با قرآن و اسلام و اقرار رژیم پهلوی به مستعمره‌بودن ایران دانست و پس از اعلام خطر برای اسلام، طلاب، علما، مراجع و مردم را به اقدام و قیام علیه رژیم دعوت کرد.^۴

مواضع و سخنان امام خمینی (ره) آمریکا و رژیم پهلوی را به این نتیجه رساند که با حضور ایشان در ایران اصلاحات مد نظر آنان امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو تبعید ایشان به ترکیه در دستور کار قرار گرفت. در سحرگاه چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ مأموران شهربانی و سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به سرپرستی سرهنگ عزلتی معاون شهربانی و سروان سیف‌الدین عصار از مأموران ساواک، خانه ایشان را محاصره،

۱- امام خمینی، صحیفه، ج ۱، ص ۴۱۵.

۲- همان، ص ۴۱۶.

۳- همان، ص ۴۱۶-۴۱۵.

۴- همان، ص ۴۱۰-۴۰۹.

ایشان را بازداشت و به تهران و فرودگاه مهرآباد منتقل کردند^۱ و سپس در ساعت هشت صبح همان روز با یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ (هرکولس) متعلق به نیروی هوایی ایران که از پیش آماده بود، امام‌خمینی را به ترکیه تبعید کردند و همان روز رادیو و مطبوعات کشور خبر بازداشت و تبعید امام‌خمینی را گزارش کردند.^۲

(ب) آثار و پیامدها:

دستگیری و تبعید حضرت امام‌خمینی (ره) در دو حوزه داخلی و خارجی، پیامدهایی به دنبال داشت.

- پیامدهای داخلی

صبح روز تبعید کماندوهای رژیم و ساواک برای جلوگیری از تجدید قیام ۱۵ خرداد آماده‌باش کامل بودند. نیروهای زیادی در شهرهای قم، تهران و دیگر شهرها متمرکز بودند تا هر گونه حرکت اعتراضی را سرکوب کنند.^۳ با این حال، مردم پس از انتشار خبر دستگیری و تبعید امام‌خمینی (ره) دست به اعتراض‌های گسترده زدند. بازارها و حوزه‌های علمیه و حتی نمازهای جماعت در قم، مشهد، تهران و بسیاری از شهرستان‌ها به نشانه اعتراض تا مدتی تعطیل بودند.^۴ پس از تبعید حضرت امام (ره)، روحانیان نقش خود را در تداوم راه ایشان در سنگر منبر و مسجد دنبال کردند و در آن شرایط پرخفان، گویندگان متعهد مذهبی با

۱ - مؤسسه تنظیم آثار امام‌خمینی (ره)، امام در آینه اسناد، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۱ و ۴۲۵

۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳/۸/۱۳۴۳، ص ۱.

۳ - نجاری‌راد، ساواک و نقش آن، ۱۹۰.

۴ - ذاکری، طلوع خورشید، ۲۸۱.

آوردن نام ایشان بر منبر، مردم را به ادامه راه ایشان فرا می‌خواندند.^۱ شاعران سروده‌های آگاه‌بخش و پرمغزی در ابراز علاقه و وفاداری و پشتیبانی از رهبر تبعیدی خویش سرودند و با پخش آن در میان مردم آنان را به مبارزه با این ستم بزرگ دعوت کردند.^۲ گروهی از مردم قم به خانه مراجع تقلید رفتند تا کسب تکلیف کنند، ولی رژیم خانه‌های مراجع را تحت نظر و کنترل قرار داده بود.^۳

علاوه بر این، علما، مراجع، حوزه‌های علمیه و مردم در اعتراض به تبعید امام خمینی (ره)، تلگرام و طومارهای بسیاری به سفارت ترکیه در ایران و دولت ترکیه فرستادند. در این نامه‌ها با اظهار نگرانی از تبعید امام خمینی (ره)، از دولت مردان ترکیه خواسته شده بود که جایگاه ایشان را پاس دارند؛ چنان که سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، سیدمحمدهادی میلانی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیدحسن طباطبایی قمی و بسیاری از علمای دیگر با فرستادن تلگرام و نامه به این اقدام رژیم اعتراض کردند.^۴ امام‌خمینی طی دو تلگرام سلامتی خود را به اطلاع خانواده رساند^۵ و آنان را به صبر جمیل دعوت کردند و از خویشاوندان خواست برای آزادی ایشان از کسی درخواست.^۶

۱ - روحانی، نهضت امام‌خمینی، ج ۲، ص ۵۵-۵۶.

۲ - همان، ۶۸-۷۷.

۳ - مؤسسه تنظیم، سیر مبارزات، ۸۶/۴-۱۱۰، ۱۲۹، ۲۲۷ و ۲۴۴؛

۴ - مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)، امام در آینه اسناد، ج ۲، ص ۲۹۲؛

۵ - همان، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۶ - امام‌خمینی، صحیفه، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸.

۷ - همان، ۴۲۸.

- پیامدهای بیرونی

علمای مقیم خارج و بعضی از مراجع تقلید از جمله سید ابوالقاسم خویی^۱ و سید محسن حکیم^۲ و مدرسه‌های حوزه علمیه نجف، از جمله طلاب مدرسه آیت‌الله بروجردی^۳ به نمایندگی از دیگر طلاب حوزه علمیه نجف، با انتشار بیانیه و فرستادن تلگرام به تبعید امام خمینی اعتراض کردند.^۴ همچنین برخی از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، آلمان، اتریش، ترکیه و جبهه ملی مقیم آمریکا با انتشار بیانیه یا با تلگرام یا با تجمع به تبعید امام خمینی اعتراض کردند.^۵

برخلاف رسانه‌های داخلی، رسانه‌های خبری خارجی، درباره تبعید امام خمینی (ره) خبرهای مفصلی پخش کردند؛ از جمله بخش فارسی رادیو لندن،^۶ خبرگزاری رویترز و یونایتدپرس،^۷ خبرگزاری فرانسه،^۸ روزنامه الفجر الجديد و المنار عراق،^۹ روزنامه "la presse" تونس،^{۱۰} روزنامه الثورة دمشق،^{۱۱} روزنامه الشعب الجزائر،^{۱۲} مجله میثاق

۱- مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)، سیر مبارزات، ج ۴، ص ۵۰۶-۵۰۸.

۲- همان، ص ۶۳۱.

۳- همان، ص ۵۰۰.

۴- همان، ص ۴۸۰ و ۵۰۵.

۵- همان، ص ۵۱۰ و ۵۱۷.

۶- همان، ص ۴۷۴ و ۴۹۱.

۷- همان، ص ۴۹۳.

۸- همان، ص ۴۷۶ و ۴۹۴.

۹- همان، ص ۴۹۵.

۱۰- همان، ص ۵۰۲.

۱۱- همان، ص ۵۰۳.

۱۲- همان، ص ۴۷۸.

ارگان مدرسه الواعظین لکهنو هند،^۱ روزنامه جنگ چاپ کراچی،^۲ در روز تبعید و پس از آن گزارش دادند «آیت‌الله خمینی» از روحانیان مذهبی ایران و از مخالفان دولت به علت مخالفت با برنامه اصلاحات ارضی، مخالفت با کاپیتولاسیون و مخالفت با همکاری دولت ایران با اسرائیل از کشور تبعید شد.^۳

۲) گشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷:۴

الف) شرح ماجرا:

هجرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به پاریس در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۷ روند مبارزات علیه رژیم پهلوی را شدت و گسترش بیشتری داد و بر خلاف پیش‌بینی سردمداران رژیم و آمران بیگانه موجب رساندن صدای مظلومیت ملت ایران به گوش جهانیان شد. بعد از استقرار امام در پاریس اولین پیام ایشان خطاب به محصلین مدارس و حوزه‌های دینی، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها و دانشسراها، صادر شد و موج مبارزات علیه استکبار و استبداد را خروشان ساخت. در بخشی از متن این پیام آمده بود: «در آغاز سال تحصیلی به محصلین علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان که برای برقراری حکومت عدل اسلامی به پا خواسته‌اند درود می‌فرستم... من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پرافتخار قرآن به شما فرزندان عزیز اسلام مژده پیروزی نهایی می‌دهم به شرط این که نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند

۱- همان، ص ۴۷۹.

۲ - همان، ص ۵۲۲.

۳ - همان، ص ۴۹۱ - ۵۲۳.

۴- مرکز بررسی اسناد تاریخی، قابل دسترس در:

اسلام ناگسستنی باشد.» در ادامه امام خطاب به جوانان فرمودند: «هان ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاه‌ها و دانشسراها آگاهانه و متعهد به پا خیزید و به هم پیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید.» این پیام انگیزه دانش‌آموزان و دانشجویان را در مبارزه علیه رژیم بالا برد و از اوایل آبان این اقشار بر تکاپوی خویش افزودند، خصوصاً دانشگاه تهران مأوای دانش‌آموزان و دانشجویان و مرکز تظاهرات مشترک آنان قرار گرفت.

روز دوم و سوم آبان دانش‌آموزان از مدارس مختلف با تظاهرات به سمت دانشگاه تهران رفتند. این تجمعات تا ۵ آبان ادامه داشت تا این که رژیم برای جلوگیری از تجمع دانش‌آموزان اعلام کرد: «دانشگاه تهران در روزهای ششم و هفتم تعطیل است.» به دنبال این اعلام تعطیلی گروه کثیری از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به مدت یک هفته اعلام تحصن کردند.

روز هفتم آبان اوضاع در اطراف دانشگاه غیرعادی و شرایط نظامی بود. نیروهای ارتش در اطراف دانشگاه تهران مستقر شده بودند. با این وجود هنوز خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران شاهد حضور دانشجویان و دانش‌آموزان بود. هشتم آبان نیز تظاهرات دیگری در حوالی دانشگاه برپا شد. در گزارش ساواک از رخداد‌های روز ۸ آبان آمده است: «حدود ساعت ۱۰ عده زیادی از دانشجویان و افراد متفرقه وارد دانشگاه تهران شده و در داخل محوطه دانشگاه مبادرت به تظاهرات و دادن شعارهای ملی و میهنی نمودند. ضمناً با انداختن زنجیر به دور پیکره شاهنشاه آریامهر قصد پایین آوردن پیکره را داشتند که موفق نشده‌اند.»

روزها به همین منوال در «دانشگاه تهران» گذشت تا این که در روز سیزده آبان ماه ۱۳۵۷ تظاهرات دانش‌آموزان در حوالی دانشگاه تهران با مداخله نیروهای نظامی به خون

کشیده شد. نیروهای نظامی رژیم در پی تجمع تعداد کثیری از دانش‌آموزان از ساعت ۱۱ صبح دانشگاه را محاصره کردند. حدود ساعت ۱۲ ظهر نیروهای ارتش جلوی درب جنوبی دانشگاه مستقر شده و شلیک گاز اشک‌آور را به داخل دانشگاه آغاز کردند. تظاهرکنندگان با برافروختن آتش به خنثی‌سازی گازها پرداختند که ناگهان نیروهای نظامی نوک اسلحه‌های خود را به سوی تجمع‌کنندگان گرفتند و بر روی آن‌ها آتش گشودند. تعداد زیادی از دانش‌آموزان در خاک و خون غلطیدند و صدها نفر مجروح شدند. این تظاهرات خونین ۶ ساعت ادامه داشت. خبرگزاری‌ها تعداد شهدا را ۱۰ نفر اعلام کردند در حالی که به ادعای انقلابیون، این تعداد بالغ بر ۶۵ نفر بود. کم‌کم تظاهرات به بیرون از دانشگاه کشیده شد و سرتاسر تهران به میدان جنگ تبدیل شد.

امام خمینی به مناسبت فاجعه‌ی ۱۳ آبان در پیامی خطاب به ملت ایران نوشتند:

«من نمی‌دانم که از کدام مصیبت‌های ملت و از کدام جنایت‌های شاه بنویسم، قلم من عاجز است. آیا جنایاتی را که در دانشگاه تهران به دست دژخیمان شاه واقع شد، متذکر شوم یا از کشتارهایی که در سراسر ایران به امر این جنایتکار حرفه‌ای صورت گرفت؟» امام خمینی از ملت خواستند تا «رسیدن به هدف، نهضت را هر چه شورانگیزتر ادامه دهد». امام هدف نهضت را سرنگونی شاه، نابودی رژیم شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی اعلام کردند. ایشان در پایان از «سران نیروهای هوایی و زمینی و دریایی» خواستند «با افراد خود به ملت پیوندند که اطاعت شاه اطاعت از طاغوت است» و از «سربازان و سایر قوای انتظامی» خواستند که از «اوامری که برخلاف مسیر ملت است سرپیچی کنند».

ب) آثار و پیامدها:^۱

نتایج روز ۱۳ آبان را به طور خلاصه می‌توان چنین بیان نمود:

- با وقوع کشتار ۱۳ آبان، حربه رژیم در انتصاب شریف‌امامی به نخست‌وزیری برای جلوگیری از اعتراض‌ها و تظاهرات مردم و ایجاد دولت «آشتی ملی» بی‌نتیجه ماند. در واقع حوادثی که در ۱۳ آبان پیش آمد، رژیم را به تشکیل یک دولت نظامی ترغیب کرد. یکی از نتایج مشخص روز ۱۳ آبان، اظهار ضعف و ناتوانی از سوی شریف‌امامی بود که به اطلاع شخص شاه رساند و شاه نیز در همان شب طی جلسه‌ای فوری که با سفیران امریکا و انگلیس داشت، ارتشبد ازهارای را برای تشکیل دولت نظامی فراخواند.
- ناصر مقدم - آخرین رئیس ساواک - یکی از نتایج رخداد ۱۳ آبان را اضمحلال «دولت آشتی ملی» عنوان می‌کند. او با اشاره به ملاقات خود با شاه می‌گوید: «شاه گفت با توجه به این که حکومت شریف‌امامی موفق نبوده است و هرگونه تلاش می‌نمایم بی‌نتیجه است، لذا تنها راه حل، وجود یک دولت نظامی است. ما مذاکراتی با سفرای امریکا و انگلستان داشتیم. آن‌ها نیز این مسئله را تأیید و پشتیبانی می‌نمایند. لذا تصمیم گرفته‌ام یک دولت نظامی روی کار بیاید و بلافاصله اشاره به ازهارای نمود که شما رئیس دولت خواهید بود...»
- وقتی تلویزیون ملی ایران بدون هیچ سانسوری برای اولین بار در شب ۱۳ آبان، فیلم تظاهرات و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان را به نمایش گذاشت، مردم به

۱- پیامدها و آثار ۱۳ آبان ۱۳۵۷، روز دانش‌آموزان و دانشجویان شهید، مرکز بررسی اسناد تاریخی،

قابل دسترسی در:

<https://irdc.ir/0001gy>

خشم آمدند. در پی آن مدیرعامل تلویزیون ناصرالدین شاه‌حسینی مجبور به استعفا شد. همچنین نمایش این فیلم از تلویزیون بیشترین تأثیر را در میان مردم داشت. بازتاب این فیلم موجب شد مردم در اکثر مناطق کشور جنایت‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه رژیم را به چشم مشاهده کنند.

— یکی دیگر از پیامدهای واقعه خونین ۱۳ آبان ۵۷، استعفای وزیر علوم بود. روزنامه اطلاعات نوشت: «وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر ابوالفضل قاضی طی نامه‌ای به آقای نخست‌وزیر استعفای خود را در اعتراض به وقایع دیروز دانشگاه تهران (یعنی ۱۳ آبان) اعلام کرد. وی اظهار داشت که با این وضع نمی‌توان به خدمت ادامه داد».

— پس از روی کار آمدن دولت نظامی، دولت ازهاری برای آرام کردن جو، به کارهای ظاهری که جنبه روانی داشت دست زد تا احساس بدبینی مردم نسبت به رژیم کاسته شود لذا عده‌ای از مقامات عالی‌رتبه رژیم که در چندسال اخیر پست‌های حساسی داشتند، بازداشت شدند. در میان این عده «نعمت‌الله نصیری»، «منوچهر آزمون»، «داریوش همایون»، «غلامرضا نیک‌پی» و... دیده می‌شدند. در هفدهم آبان، نام «امیرعباس هویدا» نیز به این فهرست اضافه شد.

— وقایع روز ۱۳ آبان اگر چه به شهادت تعداد زیادی دانش‌آموز انجامید ولی مانع از ادامه مبارزه آنان نشد. به طوری که درست فردای آن روز تظاهرات وسیع‌تری در تهران انجام گرفت. در بخشی از گزارش روزنامه کیهان در تشریح تظاهرات روز ۱۴ آبان آمده است: «تظاهرات ملت ایران به اوج خود رسیده و در عین حال روز اوج آتش‌سوزی‌ها در تهران بود... و در شب، تهران در آتشی که از صبح روشن شده بود، روشن بود. در همین روز سفارت انگلستان نیز در جریان آتش‌سوزی‌ها

دستخوش حریق شد و به دنبال آن کارخانه پیسی کولا واقع در خیابان آیزنهاور آتش زده شد و ساعت‌ها در میان آتش سوخت.»

۳) تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸:

الف) شرح ماجرا:

چند ماه پس از پیروزی انقلاب و زمان حکومت دولت موقت، بعد از آن‌که چهره واقعی آمریکا برای ملت ایران آشکار شد و آن‌ها از فعالیت‌های مداخله جویانه دولت آمریکا آگاه شدند، تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام در روز سیزده آبان ۱۳۵۸، با هدف وادار کردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، تصمیم به اشغال سفارت آمریکا گرفتند. دانشجویان از دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و ... گرد هم آمدند و طی یک راهپیمایی تا سفارت آمریکا از دیوارهای سفارت بالا رفته و علیرغم مقاومت محافظین و آمریکایی‌ها، سفارت را به تصرف کامل درآوردند. در هنگام تسخیر سفارت، آمریکایی‌ها به سرعت مشغول نابود کردن بسیاری از اسناد دخالت‌ها و تجاوزات و غارت‌های خود شدند ولی پس از تسخیر سفارت به سرعت از نابودی باقی‌مانده اسناد جلوگیری شد و بعدها اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمده بود چاپ شده و در اختیار همگان قرار گرفت. به محض انتشار این خبر، مردم بسیاری با خشم و انزجار مقابل لانه جاسوسی تجمع کرده و از حرکت دانشجویان حمایت کردند. بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) هم در پیامی این حرکت را "انقلاب دوم" و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند. این حرکت دانشجویان معترض، خشم آمریکایی‌ها را برانگیخت و آنها که ناتوان از درک ملتی استقلال طلب و آزادی خواه بودند، دست به اقداماتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران زدند، از آن جمله

فشار آوردن به مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت و...، ایجاد جو منفی تبلیغاتی علیه دانشجویان مسلمان و برخی اقدامات دیگر از جمله آنهاست.

اما پس از بی‌ثمر ماندن این اقدامات، آنها به اقدامات جدی‌تری روی آوردند که از جمله آن می‌توان به قطع کامل روابط سیاسی در ۲۰ مهر ۱۳۵۹، حمله نظامی به ایران و تجاوز به خاک کشورمان که به شکست مفتضحانه آنها در صحرای طبس انجامید و نیز محاصره اقتصادی و بلوکه کردن دارای‌ها و اموال ایران اشاره کرد که هیچ‌کدام تاکنون در عزم ملت ایران برای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی جهانی و منشا اصلی آن در جهان یعنی استکبار جهانی و آمریکا خللی وارد نکرده است.^۱

(ب) آثار و پیامدها:

یکی از رویدادهای بین‌المللی مهم که در روند تغییرات هندسه قدرت جهانی تاثیر حیاتی داشت، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران بود که منشاء دگرگونی‌های بسیاری در حوزه‌های هنجاری، سیاسی و روابط بین‌الملل شده است؛ تا جایی که حقارت و ذلت آمریکا را به جهانیان نشان داد و زمینه‌ساز افول هژمونی سیاسی و هنجاری آمریکا در جهان شد. به همین منظور، در این قسمت، تغییرات سیاسی ناشی از این رویداد بر حقارت آمریکا را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

^۱ - <https://masjedona.ir/v13a>

– بن‌بست در سیاست خارجی آمریکا پس از تسخیر لانه جاسوسی

نخستین ثمره تسخیر سفارت آمریکا در تهران، سردرگمی و حیرت امریکائیان بود به طوری که اقدام دانشجویان پیرو خط امام در تهران، اعضای کاخ سفید را به شدت دچار گیجی و گنگی کرده بود. جولیتو کیه‌زا در خصوص شیوع یأس و ناامیدی در فضای سیاسی آمریکا بعد از تسخیر سفارت می‌نویسد: «هرتزرگ، نویسنده متن سخنرانی‌های مهم کارتر اذعان می‌دارد با نگرانی احساس می‌کنم در حال لغزیدن بر سرایشی هستیم و حتی برخی چنین اظهار نظر می‌کنند که توی "بن‌بست" گیر افتاده‌ایم».^۱

پیر سالینجر در کتاب "آمریکا در بند"^۲ در خصوص تحقیر و ذلت آمریکا در جریان گروگان‌گیری‌ها اذعان می‌دارد که بزرگ‌ترین قدرت جهان زیر منت کشوری که دچار بی‌نظمی انقلابی است، قرار گرفته است و اوج این حقارت را این‌گونه نشان می‌دهد: «چگونه امکان دارد کشوری که از چنان قدرت فنی برخوردار است که می‌تواند انسان‌ها را با فضاپیما به خارج از جو زمین بفرستد و دوباره بازگرداند، نتواند کسی را برای پاسخ‌گویی به تلفن در تهران بیابد؟ فقط زمانی که به این سؤال پاسخ داده شود، می‌توان به عظمت مشکلی که دولت به ناگاه بی‌یاور شده کارتر با آن روبه‌رو گردیده بود، پی برد. پرسیدن این سؤال همچنین نیازمند پرسیدن سؤال دیگری می‌باشد که چگونه ممکن است که بزرگ‌ترین قدرت جهان ناگهان خود را زیر منت کشوری که دچار بی‌نظمی انقلابی شده است، بیابد؟»^۳

۱- جولیتو کیه‌زا، هدف: تهران، تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده، ترجمه هادی سهرابی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۶.

۲- Pierre Salinger, America held hostage: the secret negotiations, Garden City, NY: Doubleday, ۱۹۸۱

۳- پیر سالینجر، آمریکا در بند، تهران: انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۶۲، ص ۴۷.

– اعتراف مقامات آمریکا به تحقیر ایالات متحده بعد از تسخیر سفارت

سایروس ونس^۱ اشغال سفارت آمریکا در ایران را "آغاز یک داستان دردناک برای ملت آمریکا" می‌داند.^۲ همچنین ویلیام داگرتی^۳ حقارت آمریکا را در مصاحبه با کانال "CNN" چنین تصویر می‌کند: «وقتی این طور کشور شما (آمریکا) را تحقیر می‌کنند که ما (منظور کارمندان سفارت آمریکا در زمان اشغال سفارت) را کردند، این جور چیزها به یاد آدم می‌ماند.»^۴

هامیلتون جردن در کتاب "بحران؛ آخرین سال ریاست جمهوری کارتر"^۵ اذعان می‌دارد که آمریکایی‌ها بعد از تسخیر سفارت‌شان در ایران تحقیر شدند و وی این تحقیر و حیرانی را این گونه تشریح می‌کند: «الینور با قیافه‌ای نگران وارد دفتر من شد و متن خبری را که از تهران مخابره شده بود به من داد. براساس این خبر [امام] خمینی درخواست محاکمه را تکرار کرده و تهدید نظامی را دست انداخته و به مسخره گرفته بود. در اعلامیه‌های قبلی به احتمال محاکمهٔ گروگان‌ها به اتهام جاسوسی اشاره شده بود، ولی این بار شکی باقی نمانده بود. بر خود لرزیدم و محاکمات علنی و اعدام افرادمان را در حالی مجسم کردم که ما با حالی نزار در کاخ سفید نشسته بودیم. جودی

۱- Cyrus Vance, Hard choices: Critical years in America's foreign policy, New York: Simon and Schuster, ۱۹۸۳

۲- سایروس ونس و زیگنیو برژنیسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۲، ص ۶۹.

۳- یکی از گروگان‌های سفارت آمریکا در ایران

۴- Kasra Naji, Ahmadinejad: The Secret History of Iran's Radical Leader, University of California Press, ۲۰۰۸, p ۲۱

۵- Crisis: the last year of the Carter presidency

۶- هامیلتون جردن، بحران؛ آخرین سال ریاست جمهوری کارتر، ترجمه محمود مینا، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.

پاول را صدا زد و او فوراً خود را به دفتر من رسانید. برژینسکی درحالی وارد شد که متن کامل سخنان [امام] خمینی نسبت به رئیس‌جمهوری آمریکا را در دست داشت. خشمگین و عصبانی بود، بعضی از جملات آن را با صدای بلند برای ما می‌خواند: "چرا ما باید بترسیم... کارتر طفل تو خالی است... او عرضه هیچ کاری را ندارد... آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند."

جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا اظهار می‌داشت که حیثیت آمریکا در اواخر حکومت وی در گرو عملکرد "آیت‌الله خمینی" بوده است و وقتی که دولت آمریکا دستور اکید ممنوعیت ورود مجموعه کتاب‌های حاوی اسناد منتشره لانه جاسوسی به آن کشور را صادر می‌کرد، به‌خوبی برای همه تحلیل‌گران و ناظران سیاسی جهان مشخص بود که مسئله اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های سیاسی در جهت کنار زدن پرده از سیمای زمام‌داران کاخ سفید و متزلزل ساختن ارکان سیاست خارجی آمریکا در منطقه بوده است.

چنانچه بسیاری از مسئولین آمریکایی دوران فرمانروایی کارتر نیز بعد از به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در سال ۱۳۵۹ در کتاب‌هایی که به‌عنوان خاطرات خود منتشر کردند همگی تلویحاً و یا آشکاراً به ابعاد این حرکت بزرگ سیاسی که مبین ذلت و زبونی سیاست خارجی آمریکا در ایران و در سطح منطقه پس از ماجرای گروگان‌گیری بوده است، اعتراف کردند.

– تاثیر تسخیر لانه جاسوسی بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

در بُعد بین‌المللی، تسخیر سفارت بر سیاست داخلی آمریکا تأثیر زیادی نهاد تا جایی که انتخابات آمریکا تحت الشعاع این رویداد سیاسی قرار گرفت و روزنامه آلمانی "اشپگل" در سال ۱۹۸۰ نوشت: «زمانی ایالات متحده می‌توانست تصمیم بگیرد که چه

کسی در ایران بر مسند قدرت بنشیند، اما امروز در ۱۹۸۰، آیت‌اللهی در تهران می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده را تعیین کند.^۱

به عبارت دیگر، صحنه‌آرایی اولین انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بعد از تسخیر سفارت این کشور در ایران، به طور کاملاً بارزی متأثر از این قضیه بود. چه آن‌که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۸۰ آمریکا جیمز ایگل کارتر، رئیس‌جمهور دموکرات از نامزد جمهوری خواهان، هنریشه سابق فیلم‌های وسترن رونالد ریگان شکست خورد. جیمی کارتر چهره پرفروغ دموکرات‌ها که ادعا می‌کرد یکی از میان مردم است، در انتخابات ۱۹۷۶ که در قالب یک شخصیت آمریکایی ساده و با ظاهری مردمی جرال د فورده جمهوری خواه را شکست داده بود، چهار سال بعد اما رقیبی از قبل بازنده بود.

مهم‌ترین عاملی که در عرض این چهار سال ستاره اقبال این کشیش سابق را کم‌فروغ کرد، بی‌شک شکست کارتر در پایان دادن به بحران سفارت این کشور در ایران بود. بحرانی که گری‌سپک، مشاور ارشد کارتر در مسائل ایران، آن را "ویرانگرترین رویداد دیپلماتیک تاریخ معاصر آمریکا" نامیده است. تحقیر آمریکایی‌ها به دست جمعیت دانشجویان مسلمان و انقلابی در خیابان‌های تهران، همراه حس از دست رفتن وجهه جهانی دوره‌ای تلخ را برای مردم آمریکا در آن برهه زمانی رقم زد.

با ادامه بحران و آزاد نشدن کارکنان سفارت آمریکا در تهران، تصویر بی‌کفایتی دستگاه اجرایی که در اذهان بسیاری از رای‌دهندگان شکل گرفته بود، تقویت شد. استوارت آیزنشتات بعد از پایان دوران کارتر اذعان کرد: «تمرکز هر روزه تلویزیون‌ها بر موضوع

۱- سرگه بارسقیان، «ذائقه جمهوریخواه پسند ایرانی»، شهروند، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۷.

بحران گروگان‌ها، با پخش فیلم‌هایی تاثرآور از گروگان‌های آمریکایی با چشم‌بند در پیش‌زمینه پرچم‌های سوزان آمریکا، بنیان موقعیت سیاسی کارتر را به لرزه انداخت.^۱

– اضمحلال اقتدار هنجاری آمریکا

هابر ماس^۲ تأکید می‌کند که آمریکا با دست کشیدن از نقش خود به‌عنوان ضامن حقوق بین‌الملل و به‌واسطه نقض حقوق و علوم توجه به سازمان ملل، اقتدار هنجاری خود را به ویرانی کشاند.

بعد از تسخیر سفارت آمریکا، برای همگان آشکار شد که آمریکا و سایر متحدین استعمارگرش به حقوق ملت‌ها توجه ندارند و سازمان ملل صرفاً ابزاری سیاسی برای رسیدن آنها به مطامع غیربشر دوستانه آنها است.

ترجمه و پخش اسناد لانه جاسوسی آمریکا به جامعه جهانی نشان داد که آمریکا نه تنها نقض‌کننده حقوق بشر ایرانیان بوده است، بلکه برخلاف قوانین و اسناد بین‌المللی نیز همواره در سیاست داخلی ایرانیان مداخله کرده است. منتشر شدن این اسناد، اقتدار هنجاری و حقوقی آمریکا را متزلزل ساخت و نگرش ملت‌ها نسبت به این کشور را تغییر داد.

علاوه بر این در این رویداد آمریکایی‌ها بیش از اینکه از برملا شدن توطئه‌های‌شان علیه انقلاب اسلامی به وحشت بیفتند از اثبات پوچی افسانه شکست‌ناپذیری خود به هراس افتاده بودند.

۱- سهیل صفری، تسخیر لانه جاسوسی و شکست کارتر در انتخابات آمریکا، پرتال موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۶.

۲-Jurgen Habermas, "Interpreting the Fall of a Monument", Wiley Online Library, ۱۳ September, Volume ۱۰, Issue ۳, ۲۰۰۳

– باز یابی عزت نفس ایرانیان

ذلتی که جامعه ایران در دوران پهلوی گرفتار آن بود، بعد از تحولات انقلابی در ایران و حوادث تسخیر سفارت آمریکا به عزت ملی و بین‌المللی تبدیل شد.^۱ مایکل فیشر یکی از اهداف دانشجویان عمل‌گرا در تسخیر لانه جاسوسی را، واداشتن جنبش سیاسی به حرکت سریع‌تر برای حفظ انقلاب در مسیر خود می‌داند^۲ و تأکید می‌کند تسخیر سفارتخانه و گروگان‌گیری، یک اقدام جذاب بوده است.^۳

فتح مرکز توطئه و پایگاه سیا در ایران چنان ضربه‌ای بر اقتدار، موقعیت و توانمندی آمریکا وارد ساخت که این واقعه هنوز پس از گذشت چهار دهه امکان بازسازی، بازیابی و برنامه‌ریزی امریکائیان را تحت الشعاع قرار داده است و سیاست امریکانه تنها در ایران، بلکه در سطح جهان دچار معضل و مشکل شده است.^۴

عزت ملی و اقتدار ناشی از فتح لانه جاسوسی را می‌توان در خاطرات دانشجویان خط امام مشاهده کرد. سید محمد هاشم پوریزدان‌پرست در این خصوص می‌گوید: «لحظه‌ای که پرچم به اهتزاز درآمده آمریکا از فراز این ساختمان (سفارت آمریکا در ایران) که نشان‌دهنده سلطه غارتگرترین و جنایت‌کارترین نظام ضدبشری در تاریخ انسان بر کشور

۱ – محمد رحمتی، گرگ و میش (رابطه با آمریکا؛ آری یا نه؟)، قم: انتشارات جوانان موفق، ۱۳۹۵، صص ۹۴-۹۳.

۲- مایکل فیشر، ایران از مباحثات مذهبی تا انقلاب، ترجمه حسین مطیعی امین، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۳.

۳-Michael M.J. Fischre, Iran: from religious dispute to revolution, Cambridge, London: England, Harvard university press, ۱۹۸۰.

۴- مهدی شریفی، ورود به لانه عقاب (روایتی نواز تسخیر لانه جاسوسی)، تهران: نشر تاویل، ۱۳۸۸.

ما بود، برای همیشه به پایین کشیده شد، از لحظات بی‌نظیر و باشکوهی بود که در تاریخ کشور، کمتر ممکن است نمونه آن تکرار گردد.^۱

بدین ترتیب، پس از تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ایران، ملتی که نزدیک به شصت سال مورد تحقیر امریکائیان قرار گرفته و خاطرات تلخی از امریکائیان داشت (از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و غارت نفت ایران تا نقش امریکا در کشتار مردم ایران در دوران نهضت اسلامی) و به علت ناکارآمدی رژیم حاکم بر ایران در مقابل آمریکا، قدرت‌ایستادگی و استقلال نداشت، بعد از حماسه‌آفرینی سیاسی در برچیدن سفارت آمریکا در ایران، به ملتی عزتمند و بامنزلت تبدیل شد که بعد از تفوق و عزت‌یابی ناشی از انقلاب اسلامی، با این روند سیاسی بر دامنه عزت و قدرت ایرانیان در سطح منطقه و بین‌الملل افزوده شد و در نقطه مقابل، عزت و قدرت پوشالی و شکننده آمریکا که در نزد افکار عمومی جهانی یک هژمون جهانی بود، شکسته شد به طوری که سیاست‌مداران خود این کشور نیز به حقارت امریکا پس از این واقعه تاریخی اعتراف کردند.

۱- سیدمحمد هاشم پوریزدان پرست، تسخیر لانه جاسوسی (خاطرات یکی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۱۳۱-۱۲۶.

بخش دوم: مفهوم و ماهیت استکبار

مقدمه:

استکبار به عنوان مفهومی محوری در ادبیات سیاسی به شمار می‌رود و در بسیاری از متون دینی و تاریخی، استکبار همواره به عنوان یکی از خطرناک‌ترین خصایص انسانی و اجتماعی شناخته شده است. در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جایگاهی بسیار برجسته یافت و به یکی از اصول بنیادین گفتمان انقلابی تبدیل شد. استکبار به‌ویژه در مقابل مفهوم "استضعاف" به معنای ظلم‌پذیری و مظلومیت قرار گرفته و تقابل این دو، همواره یکی از محورهای اصلی مبارزه جمهوری اسلامی با قدرت‌های جهانی بوده است.

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و تفسیر بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) از مفهوم استکبار، این واژه را نه فقط به عنوان ویژگی‌ای شخصی یا فردی، بلکه به عنوان یک وضعیت جهانی و نظام سیاسی-اقتصادی تعریف کرده است. در این نگاه، استکبار نظامی سلطه‌گر و قدرت‌هایی است که تلاش می‌کنند بر ملت‌های مظلوم سلطه پیدا کنند و منابع آن‌ها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم به یغما ببرند. در این چارچوب، مبارزه با استکبار جهانی به عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران و نه فقط به معنای مقاومت نظامی، بلکه به معنای مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مدنظر قرار گرفت.

با توجه به جایگاه مفهوم استکبار در نظام فکری و سیاسی انقلاب اسلامی، فهم دقیق ماهیت این مفهوم و تفسیر آن در برابر نظم جهانی موجود، اهمیت زیادی دارد.

(۱) مفهوم استکبار:

الف) تعریف لغوی و اصطلاحی

«استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آن چه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد...». قرآن مستکبران را در مقابل ضعیفان قرار داده است؛ به جهت آگاهی دادن به این نکته که استکبار آنان، به علت قوه و نیروی بدنی و مالی آنها بوده است و در جای دیگر، مستکبران را در مقابل مستضعفان قرار داده است.^۱ بنابر این تعریف، استکبار، وصفی درونی است که لوازم و مظاهر مختلفی را می‌تواند در جامعه داشته باشد. خود بزرگ بینی و شناختن حد خود در مقابل خداوند و مردم - و به استضعاف کشیدن آنها - از اوصاف درونی هستند که شخص مستکبر به واسطه آنها موضع گیری های خویش را تنظیم می‌کند؛ همان گونه که در قرآن، درباره نافرمانی ابلیس چنین آمده است: «ابی و استکبر و کان من الکافرین».^۲

در اصطلاح علوم اسلامی، استکبار همواره با واژه هایی نظیر «ظلم» و «طاغوت» همراه است. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه گری، سلطه جویی، استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع - طلب بر خیل عظیم توده های محروم می‌باشد. این عمل، می‌تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می‌تواند بین المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یا کشوری، سایر ملت ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن اعمال سیاست های استعمار گونه و امپریالیستی قدرت های بزرگ شرق و غرب

۱- راغب اصفهانی، معجم الفاظ قرآن، ص ۴۳۸.

۲- بقره، آیه ۳۴.

در جهان می‌باشد.^۱ امروزه در فرهنگ سیاسی دنیا، واژگانی نظیر «استعمار» و «امپریالیسم» نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می‌روند.

ب) استکبار از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) از آغازین مراحل نهضت خویش به مبارزه با استکبار جهانی و استعمارگران برخاست و مهمترین راهبرد استکبارستیزی در جهان اسلام را بیداری اسلامی، بیداری ملت‌ها، بیداری و آگاهی مستضعفان جهان قلمداد می‌کردند.

«هر که تاریخ انبیاء را ملاحظه کند که این انبیاء از چه طبقه‌ای بوده‌اند و این‌ها با کی مخالفت داشتند، می‌بیند که انبیاء از این طبقه مستضعفین بوده‌اند. از همین طبقه سوم مردم بوده‌اند و مردم را وادار کردند که جنگ کنند با آن مستکبرین».^۲

«حضرت موسی در یک محیطی بوده، از آنجا شروع کردند، لکن مقصد این بوده است که ریشه استکبار را از جهان بکنند و مردم را از ظلم‌هایی که بر ایشان می‌شود، نجات بدهند».^۳

«اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین، مستضعفین را استعمار و استثمار کنند».^۴

«در اسلام پیغمبر اکرم (ص) از بین مستضعفین برخاست با کمک مستضعفین، مستکبرین زمان خودش را آگاه کرد یا شکست داد. مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند. مستضعفین به اسلام حق دارند، زیرا در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، این جمعیت بودند که کمک کردند

۱- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، ص ۲۳.

۲- صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۵۶

۳- همان، جلد ۱۵، صفحه ۵۰۷

۴- همان، ج ۷، ص ۱۱۷

دین اسلام را، ترویج کردند از دین اسلام، رژیم های شاهنشاهی و مستکبرین وابسته به آن رژیم، همیشه راه آنها غیر راه اسلام بوده است و با مبارزه با اسلام، زندگی منحوس خود را ادامه می دادند.^۱

«امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه - ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه‌ی عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند، می‌بوسم و سلام و درودهای خالصانه‌ی خود را به همه‌ی غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم.»^۲

«خداوند خواسته است که مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند، غلبه کردند و می‌کنند.»^۳

ج) استکبار در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

«آنچه امروزه به روشنی علیه جهان اسلام به چشم می‌خورد، روش خشونت‌آمیز و جبهه - گیری خشونت‌باری است که از سوی مراکز قدرت استکباری در حال انجام است. البته گاهی به منظور فریب سعی می‌کنند با شیوه‌های مختلف اما سطحی بگویند که ما با مسلمانان مسئله‌ای نداریم، ولی این روش‌ها فایده‌ای ندارد، چون در عمل و گفتار نشان داده‌اند که کینه عمیقی نسبت به مسلمانان و جوامع اسلامی در دلشان دارند، به همین دلیل است که در سطح دنیای اسلام هیچ کشور اسلامی را نمی‌شود پیدا کرد که از آسیب‌های گوناگون استکبار و قدرت‌های استکباری محفوظ و مصون باشد، حتی

۱ - همان، ج ۷، ص ۳۲۷

۲ - همان، ج ۲۱، ص ۸۵

۳ - همان، ج ۷، ص ۲۹۲

کشورهای عربی مسلمان که سوابق دوستی سستی با برخی از قدرت‌های استکباری دارند، امروز به انحای مختلف زیر فشار و مورد آزاد آنها هستند.^۱

«در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی، یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیرآمیز به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد، در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند، به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان اهانت روا می‌دارد»^۲

«در دنیا استکبار جهانی و تفکری که بر استکبار جهانی و بر گروه‌هایی که تابع آنهاست حاکم است، تفکر قدرت است، اصلاً برای ملتی که قدرت نداشته باشد حق حیات قائل نیست، برای ملت‌های جهان سوم... هیچ حق حیاتی قائل نیست... بدون... کمترین اعتنایی به نظر آنها... برایشان تصمیم می‌گیرند».^۳

«امروز همه می‌دانند که فکر استکبار چیست؟ فکر اینها، سلطه بر همه‌ی عالم است... فکر استکباری، دنبالش نقشه‌هاست، این نقشه‌های ضد مردمی و ضد اسلامی، سر و کارش با انسان هاست».^۴

«قدرت‌های بزرگ و نظام سلطه جهانی برای اعمال قدرت و دستیابی به اهداف خود از ابزارها و فنون و شگردهای متعددی استفاده می‌نمایند که هر یک می‌تواند به حفظ وضع موجود و افزایش وابستگی و نابرابری میان قدرت‌های سلطه‌گر و سلطه‌پذیر کمک نماید

۱ - بیانات مقام معظم رهبری، ۵ مرداد ۱۳۸۱

۲ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۹/۱۸

۳ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۴/۱۱

۴ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

از جمله تبلیغات، حقوق بشر، علم و فن آوری، سازمان‌های بین‌المللی، اعطای کمک مردمی و مداخله نظامی.^۱

«متأسفانه امروز، بزرگترین جرایم استکبار جهانی این است که دروغ‌گویی، فریب، تقلب و باطل‌گرایی را با رفتار خود در دنیا توسعه و رشد می‌دهد و ترویج می‌کنند».^۲

«صادر کردن شر و فساد، متعلق به آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی و مخرب نظام‌های استکباری است».^۳

«غارث ملت‌ها، حمله به ملت‌ها، دروغ‌پراکنی، توسعه فساد در عالم، تعمیق بسیاری از قشرهای مردم، حتی در کشور آمریکا اینها کارهایی است که سردمداران آمریکا و بقیه قدرتمندان ظالم و ستمگر عالم انجام داده‌اند».^۴

«منطق استکبار، در هیچ‌جا، منطق گفت و گو و مصالحه عادلانه نیست، منطق استکبار، منطق زور، شرور و استفاده غیر عادلانه از قدرتی است که در اختیار دارد. لذا خود مروج تروریسم است».^۵

«استکبار به دنبال این است که اسلام را متهم کند. اصل دشمنی‌اش هم با اسلام است. ما اگر اسلام را کنار بگذاریم، این حرف‌ها تمام می‌شود».^۶

«تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربه استکبار است».^۷

۱ - حسن واعظی، استراتژی سلطه، ص ۳.

۲ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹.

۳ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۶/۲۲.

۴ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۱/۲.

۵ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۲۳.

۶ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۱۹.

۷ - بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۲/۲۸.

«امروز در دنیا، اهل کفر و نفاق و استکبار و ظلم، دست به دست هم داده اند تا خود را از آسیب حملات موج ایمان و تقوا که بحمد الله در دنیا به وجود آمده است، نجات دهند، چون ایمان سربلند کرده است».^۱

«امروز استکبار جهانی مایل است که ملت های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شود و بگویند: دیگر نمی شود کاری کرد، دیگر فایده ای ندارد، می خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند».^۲

«استکبار با همه تدابیر شیطانی اش و با وجود به کارگیری زور و ترفند سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد».^۳

۲) خصوصیات و ویژگی های استکبار:

شناخت دقیق ماهیت استکبار، مستلزم بررسی و درک ویژگی های و شاخصه های آن است. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، همواره در سخنرانی های متعدد خود پیرامون مبحث استکبار و کشورهای مستکبر، نکات ارزنده ای را در باب خصوصیات استکبار بیان داشته اند. در این قسمت با بررسی و مرور بیانات ایشان تلاش شده است تا مهم ترین ویژگی های استکبار تشریح گردد.

۱- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷

۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵

۳- دکتر منوچهر محمدی، آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، صفحه ۱۵۰.

– خود برترینی

«آنچه من در مورد استکبار عرض می‌کنم، چند نمونه یا چند شاخص از رفتارهای نظام استکباری امروز دنیا است و در بسیاری از موارد، با آنچه که در قرون گذشته و دوران‌های گذشته استکبار داشته، شریک است. یکی از ویژگی‌های نظام استکباری، خودبرترینی است. مجموعه‌های استکباری – آن کسانی که یا در رأس یک کشور یا در رأس یک نظام بین‌المللی [یا] مجموعه‌ای از کشورها کارها را به دست گرفته‌اند – وقتی مجموعه‌ی خودشان را از بقیه‌ی انسان‌ها، از بقیه‌ی مجموعه‌ها برتر دانستند، وقتی خودشان را محور دانستند، همه چیز را فرع بر خودشان دانستند، یک معادله‌ی غلط و خطرناکی در تعاملات جهانی به وجود می‌آید. وقتی خود را برتر دانست، خود را محور دانست، خود را اصل دانست، نتیجه این می‌شود که برای خود حق مداخله‌ی در امور بقیه‌ی انسان‌ها و بقیه‌ی ملت‌ها را قائل است. آنچه به نظر او ارزش محسوب می‌شود، بایست همه در دنیا تسلیم بشوند و قبول بکنند، گردن بنهند. اگر چیزی که او ارزش می‌داند، دیگران قبول نداشتند، این به خودش حق می‌دهد در کار آنها دخالت کند، به آنها تحمیل کند، به آنها زور بگوید، فشار بیاورد.

این خودبرترینی موجب می‌شود که ادعای تولیت امور ملت‌ها را داشته باشند، ادعای مدیریت جهانی را داشته باشند، خودشان را رئیس مجموعه‌ی عالم بدانند. می‌شنوید در حرف‌های مسئولان و دولتمردان آمریکایی [که] از دولت آمریکا جوری حرف می‌زنند، مثل اینکه صاحب اختیار همه‌ی کشورها است؛ [می‌گویند] ما نمی‌توانیم بگذاریم این کار انجام بگیرد، ما نمی‌توانیم بگذاریم این شخص باشد یا نباشد! درباره‌ی منطقه‌ی ما جوری حرف می‌زنند که گویا ملت‌های این منطقه ناگزیرند که این رژیم صهیونیستی جوری حرف می‌زنند که گویا ملت‌های این منطقه ناگزیرند که این رژیم تحمیلی و جعلی را

پذیرند؛ با ملت‌های مستقل، با دولت‌های مستقل جوری برخورد می‌کنند که گویی آنها حق حیات ندارند. این خودبرتربینی، خود را دارای جایگاه ویژه‌ای در مجموعه‌ی اولاد آدم، مجموعه‌ی ملت‌ها، مجموعه‌ی انسان‌ها دانستن، این اُس‌اس و بزرگ‌ترین مشکل استکبار است.^۱

– حق ناپذیری

«نه حرف حق را می‌پذیرند، نه حق ملت‌ها را می‌پذیرند؛ حق ناپذیر مطلق. در مباحثات جهانی بسیار اتفاق می‌افتد یک حرف حقی زده می‌شود، آمریکا به دلیلی نمی‌پذیرد؛ با انواع شیوه‌ها حرف حق را رد می‌کنند، زیر بار حق نمی‌روند. حالا یک نمونه‌اش مسائل امروز ما است که مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای و صنایع هسته‌ای است؛ حرف حقی وجود دارد؛ اگر چنانچه انسانی اهل حق باشد، اهل استدلال باشد، اهل منطق باشد، باید وقتی در مقابل استدلال قرار گرفت، تسلیم بشود، اما استکبار تسلیم نمی‌شود؛ حرف حق را می‌شنود، زیر بار حق نمی‌رود؛ این یکی از خصوصیات او است. همچنان که حقوق ملت‌ها را هم قبول نمی‌کند؛ اینکه ملت‌ها حق دارند انتخاب کنند، حق دارند آن حرکتی را که خودشان می‌خواهند، آن اقتصادی را که خودشان می‌خواهند، آن سیاسی را که خودشان می‌خواهند اتخاذ کنند، این را برای ملت‌ها قائل نیستند، معتقد به تحمیل بر ملت‌ها هستند.»^۲

۱ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲

۲ – همان

– مجاز شمردن جنایت نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر

«یکی از شاخص‌های دیگر استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می‌شمرند و اهمّیت نمی‌دهند. این یکی از بلاهای بزرگ استکبار در دوران جدید است؛ دوران جدید یعنی دوران پیشرفت علم، پدید آمدن سلاح‌های خطرناک، که این سلاح‌ها هم [از وقتی به] دست مستکبرین رسید، بالای جان ملت‌های عالم شد؛ برای جان انسان‌ها – هر انسانی که با آنها همراه نباشد، تسلیم آنها نباشد، تابع آنها نباشد – هیچ ارزشی قائل نیستند؛ مثال‌ها، الی‌ماشاءالله [وجود دارد]. یک مثال، برخورد مستکبرین با بومیان آمریکا است؛ همین کشوری که امروز منابع مالی آن، امکانات آن، موقعیت جغرافیایی آن، همه چیز آن در اختیار غیربومیان آن منطقه است. خب اینجا مردم بومی‌ای وجود داشتند؛ برخورد با آنها به قدری خشن، به قدری مشتمزکننده است که یکی از نقاط تاریک تاریخ آمریکای جدید است؛ خودشان درباره‌ی آن، چیزها نوشته‌اند؛ کشتارهایی که کردند، فشارهایی که آوردند. عین همین قضیه به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها در استرالیا اتفاق افتاد. انگلیسی‌ها در استرالیا مردم بومی را مثل حیوانات، مثل کانگورو به‌عنوان تفریح شکار می‌کردند؛ آنها برای جان انسان‌ها هیچ ارزشی قائل نبودند. این یک نمونه است؛ [البته] صدها مثال دارد که در کتاب‌های خودشان، در تواریخ خودشان اینها آمده است. یک نمونه‌ی [دیگر] بمباران سال ۱۹۴۵ میلادی – یعنی سال ۱۳۲۴ شمسی – است که دو شهر ژاپن را آمریکایی‌ها با بمب اتمی نابود کردند؛ صدها هزار آدم کشته شدند.»^۱

– فریب‌گری و رفتار منافقه

«یکی از خصوصیات استکبار که باز یکی [دیگر] از شاخص‌ها است، فریب‌گری و رفتار منافقانه است؛ این را توجه کنید. همین جنایاتی که گفته شد، همه‌ی اینها را در تبلیغات خودشان سعی می‌کنند توجیه کنند و جنایت را در لباس خدمت نشان بدهند! این نظام استکبار که قصد سلطه‌ی بر ملت‌ها را دارد، از این شیوه به‌طور متعارف و معمول در همه‌ی زندگی‌اش استفاده می‌کند؛ شیوه‌ی توجیه جنایت و پوشاندن لباس خدمت به جنایت».^۱

بخش سوم: استکبار جهانی؛ عینیت و مصادیق

مقدمه:

چنانکه بیان گردید، استکبار جهانی مفهومی است مبتنی بر سلطه‌طلبی، خودبرتربینی و تلاش برای تحمیل اراده بر دیگر ملت‌ها و به معنای تلاش قدرت‌های بزرگ برای اعمال سلطه بر دیگر کشورها و دخالت در امور داخلی آن‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که این کشورها نتوانند استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را حفظ کنند. از این منظر، ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین نماد استکبار جهانی شناخته می‌شود. در کنار این کشور، دیگر قدرت‌های غربی مانند بریتانیا، فرانسه و ... نیز به عنوان همراهان و حامیان سیاست‌های استکباری عمل کرده‌اند و به شکلی هماهنگ با ایالات متحده در ایجاد و حفظ ساختارهای استکباری نقش داشته‌اند. این کشورها با دخالت‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی، در تضعیف ملت‌های دیگر و ایجاد نظم جهانی ناعادلانه‌ای سهیم بوده‌اند. علاوه بر این کشورها، رژیم غاصب اسرائیل که با حمایت و کمک مستقیم آمریکا و قدرت‌های غربی شکل گرفته و در واقع زاده‌ی ناپاک استکبار جهانی است، با جنایات و ظلم آشکار خود، نماد و مصداق اتم و اکمل ماهیت و خوی استکبارگری می‌باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، در بخش حاضر تلاش شده است تا به منظور تبیین موضوع و روشن تر شدن ذهن مخاطبان به ویژه قشر جوان، به نحوی دقیق و جزئی‌تر به دلایل و چرایی اطلاق کشورهای مذکور به عنوان سردمداران و ایادی جبهه استکبار جهانی پرداخته شود.

۱) آمریکا؛ سردمدار جبهه‌ی استکبار جهانی

سیاست‌های سلطه‌طلبانه آمریکا در طول دهه‌ها، چه از طریق جنگ‌های نظامی، چه از طریق تحریم‌های اقتصادی و چه از طریق دخالت‌های سیاسی در کشورهای مستقل، نشان‌دهنده ماهیت استکباری آن است. در این چارچوب، سیاست خارجی آمریکا همواره بر اساس حفظ هژمونی جهانی و کنترل ملت‌ها از طریق فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بوده است. در این قسمت با اشاره به برخی از مهم‌ترین جنایت‌های آمریکا در طول حیات سیاسی این کشور، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که چرا به این کشور، سردمدار جبهه استکبار جهانی می‌گویند.

- کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ پوست آمریکایی

کشتار سرخ‌پوستان جنایت پر دامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی اموال و املاک سرخ‌پوستان صورت می‌گرفت. بعدها و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ‌هایی که به دنبال آن صورت می‌گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ‌پوستان آمریکای شمالی ایفا کردند.

جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخ‌پوستان در شهر جیمزتاون در سال ۱۶۶۲ میلادی آغاز شد که به دنبال آن جنگ با سرخ‌پوستان آلگوکین طی سال‌های ۱۶۳۵ و ۱۶۳۶ و جنگ سال‌های ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ که منجر به ویرانی نیمی از شهرهای ماساچوست شد را در پی داشت. دیگر جنگ‌ها و حملات آمریکا به سرخ‌پوستان تا سال ۱۹۰۰ ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود ۱۰۰ میلیون سرخ پوست را به قتل رساندند.

– جنایت جنگی امریکادر "درسدن"

با توجه به اینکه متفقین در جنگ جهانی دوم پیروز شده بودند، هیچ کدام از جنایات جنگی ایالات متحده در جنگ جهانی توسط دادگاهی بررسی نشد. اما این به معنای آن نبود که این جنایت‌ها در تاریخ جهان ثبت نشود.

نیروهای آمریکایی در آلمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث شدند غذای کافی به اسرای جنگی آلمانی و همچنین غیر نظامیان حاضر در منطقه تحت تسلط خود نرسد که این باعث کشته شدن هزاران آلمانی بر اثر گرسنگی شد.

نیروهای آمریکایی تمام آلمانی‌های عضو وافن اس اس را که در داخل در سال ۱۹۴۵ به اسارت گرفته بودند تیرباران کردند. نیروهای لشکر ۴۵ پیاده نیروی زمینی ارتش آمریکا همچنین ۷۵ اسیر جنگی ایتالیایی را در منطقه بیسکاری قتل عام کردند.

در بمباران درسدن در جنگ جهانی دوم بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش آمریکا و متحدانش ۳۹۰۰ تن بمب انفجاری قوی و بمب‌های آتش‌زا را طی ۴ یورش، در کمتر از ۱۵ ساعت بر روی درسدن ریختند و ۳۴ کیلومتر مربع از شهر را کاملاً ویران کردند. در آتش‌سوزی بزرگی که در نتیجه بمباران رخ داد بقایای شهر نیز نابود شد.

به ادعای ارتش آمریکا درسدن یک مرکز مهم نظامی بود که ۱۱۰ کارخانه و ۵۰۰۰۰ شاغل در آن در حمایت از دولت نازی مشغول به فعالیت بودند. این در حالی بود که صرفاً زیرساخت‌های مخابراتی، پل‌ها و مناطق وسیع صنعتی خارج از شهر بمباران شدند و حملات بمباران مناطق، بدون هیچ فرقی بین نظامی بودن یا نبودن آنها و بی هیچ تناسبی با اهداف نظامی بود.

در تعداد کشته شدگان حاصل از این بمباران اختلاف نظر است و تعداد کشته‌ها از ۳۴۰۰۰ نفر تا تعداد بسیار بالایی ذکر شده است که اکثر قریب به اتفاق غیر نظامی بودند.

بنابر گفته "ارهارد موندرا"، عضو کمیته باترن (مؤسسه زندانیان سیاسی سابق در جمهوری دموکراتیک آلمان)، در روزنامه "دی‌ولت": «براساس اظهارات سرهنگ دوم دی ماتس افسر سابق ستاد مشترک ارتش آلمان در منطقه نظامی درسدن، ۳۵۰۰۰ نفر از قربانیان کاملاً شناسایی شدند، هویت ۵۰۰۰۰ نفر تا حدودی آشکار شد، اما در حدود ۱۶۸۰۰۰ نفر به هیچ وجه قابل شناسایی نبودند».

– فاجعه هیروشیما و ناکازاکی

بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی دو عملیات اتمی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام شد. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر شد.

انفجار اتمی در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی را شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخی آمریکا قلمداد کرد که به مرگ آنی ۲۲۰ هزار تن منجر شد و صدها هزار تن نیز طی سال‌های پس از آن بر اثر تأثیرات آن فاجعه دچار بیماری‌های حاد شدند.

– کشتار ۳ میلیون ویتنامی با مشارکت آمریکا

جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های نظامی‌ای است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی معروف به "ویت‌کنگ" از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد.

جنگ آمریکا علیه ویتنام در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون آغاز شد و بر اساس آمار در طی ۱۶ سال جنگ، حدود ۳ میلیون ویتنامی کشته شدند.

"کشتار می‌لای" به مثابه یکی از جنایت‌های جنگی آمریکا، واقعه‌ای در روز ۱۶ مارس ۱۹۶۸ میلادی است که در جریان جنگ ویتنام بود و طی آن ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان واحد گردان سوم تجسسی ارتش آمریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد شکنجه و قطع اندام نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه‌قطعه شده بودند. علاوه بر کشتار دهکده‌های می‌لای، جنایت‌هایی در می‌خه و سون می در جریان جنگ ویتنام رخ داد که افراد زیادی در آن کشته شدند.

از جمله مهم‌ترین جنایات آمریکا در جنگ ویتنام، سم پاشی مناطق ویت کنگ‌ها با ماده شیمیایی بود. عنصر نارنجی که توسط هواپیماهای آمریکایی بر این مناطق بارید با ماده دی‌اکسین، سال‌های سال منجر به بیماری‌هایی چون سرطان و معلولیت ذهنی در این منطقه شده است.

آمریکاییان سالانه ۵۰۰ هزار تن بمب به این سرزمین ریختند، جنگل‌ها را با ناپالم سوزاندند و انسان‌ها را زنده زنده بریان کردند.

از سال ۱۹۶۵ کشورهای هم‌مرز ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به دلیل کمک سربازان این دو کشور به ویت کنگ‌ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفتند. تجاوز به زنان، شکنجه دادن آنها و کشتن مردم عادی توسط نیروهای آمریکایی از ۱۹۶۷ به بعد شدت یافت و جنایت بزرگی در تاریخ جهان ثبت کرد.

– کشتار مردم کره توسط امریکا در سال ۱۹۵۰

جنگ کره جنگی میان جمهوری کره (کره جنوبی) با پشتیبانی نیروهای سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) با پشتیبانی چین و کمک نظامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ با ورود نیروهای تحت فرمان حکومت کمونیستی کیم ایل سونگ به بخش جنوبی آغاز شد.

کشتار غیرنظامیان از جنایت‌های آمریکا در این جنگ بود که حدود ۳۰۰ شهروند کره‌ای توسط نیروهای ارتش آمریکا و بین ۲۶ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰ در روستای نو گون ری کشته شدند. این کشتار توسط واحدهای لشکر یک مکانیزه آمریکا و در زیر پل آن روستا انجام شد. این واقعه رادومین واقعه تلخ بعد از کشتار می لای می دانند.

– جنایت امریکا در افغانستان

جنگ آمریکا در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، دوره‌ای از جنگ است که به بهانه آمریکا مبنی بر حمله القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. این جنگ ده‌ها هزار تلفات مستقیم غیرنظامی برجا گذاشت. بیش از ۴۰۰۰ سرباز آیساف و پیمانکاران غیرنظامی، ۱۵۰۰۰ نیروهای امنیت ملی افغانستان و همچنین بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد کل کشته شدگان این جنگ در دست نیست، اما طبق مطالعات پروفیسور "مارک هرولد" که در روزنامه گاردین منتشر شد، فقط در سه ماه اول جنگ بیش از ۴۰۰۰ تن کشته شده‌اند. تنها در سال ۲۰۰۹ بمب‌های دست ساز و مین‌های کنارجاده‌ای ۱۰۵۴ نفر قربانی گرفته‌اند. در عین حال، ده‌ها هزار غیرنظامی از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا زمان حاضر در افغانستان جان باخته‌اند.

ارتش آمریکا ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار اهدافی را در ولایت‌های کابل، قندهار، ننگرهار، قندوز، جوزجان، لوگر، تخار، نیمروز، فراه و غزنی با جنگنده‌های B-۵۲ و موشک‌های کروز مورد حمله قرار دادند. در سه هفته اول این حملات بیش از هزار نفر در این مناطق کشته شدند.

در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ حداقل ۲۹ غیرنظامی در روستایی در نزدیکی قندهار در حمله یک جنگنده آمریکا کشته شدند. به گزارش روزنامه «گاردین»، کاروانی متشکل از ۱۲ خودروی حامل نمایندگان قبایل ولایت شرقی که به دعوت حکومت موقت کابل به منظور شرکت در مراسمی در حال حرکت به سوی پایتخت بودند توسط هواپیمای AC-۱۳۰ ارتش آمریکا هدف قرار گرفته و ۶۵ نفر کشته شدند. همچنین سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر همان سال اعلام کرد که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۱ جنگنده‌های ارتش آمریکا یک روستا در نزدیکی شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا را بمباران کرده‌اند. در این حمله حداقل ۵۲ غیرنظامی افغان از جمله تعدادی زیادی زن و کودک کشته شدند. سخنگوی پنتاگون در آن زمان مدعی شد که انبار مهمات طالبان در روستای مذکور منهدم شده است. شمار تلفات غیرنظامیان افغان در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ از مرز تعداد قربانیان ۱۱ سپتامبر گذشت.

پروفسور مارک هیرالد تاکید می‌کند که ۳۸۰۰ افغان از ۱۷ اکتبر الی ۷ دسامبر ۲۰۰۱ توسط آمریکا به قتل رسیده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس طی گزارشی در ۳ دسامبر ۲۰۰۱، تحت عنوان «بمب ایالات متحده روستای زراعی را با خاک یکسان کرد» از کشته شدن ۱۵۵ تا ۳۰۰ تن از ساکنان روستای کامه ادو در ننگرهار خبر داد. روزنامه دیلی گراف نیز به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در گزارشی تحت عنوان «غیرنظامیان بهای بمب‌های منحرف شده آمریکا را می‌پردازند» اعلام کرده که ده‌ها تن کشته شده‌اند.

خبرگزاری پژواک و رسانه‌های بین‌المللی دیگر نیز در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ از کشته شدن حدود ۹۰ غیرنظامی در روستای پنجوایی قندهار خبر دادند. نیروهای آمریکایی با بمباران این روستا فاجعه بزرگی آفریدند، اما هرگز از این قتل عام‌ها عذرخواهی نکردند. براساس گزارش دولت افغانستان در ماه مه ۲۰۰۷ طی دو روز بمباران جنگنده‌های آمریکایی به روستایی در نزدیکی هرات، دست‌کم ۴۲ نفر، از جمله تعدادی زن و کودک قتل‌عام شدند. در این بمباران ۱۰۰ خانه ویران و حدود ۱۶۰۰ نفر بی‌خانمان شدند. در پی حمله هوایی روز ۲۲ اوت ۲۰۰۸ به روستای عزیزآباد در ولایت هرات، نیز ۹۰ غیرنظامی کشته شدند. مقامات امنیتی افغانستان ۴ مه ۲۰۰۹ اعلام کردند که حملات هوایی ناتو به رهبری آمریکا در منطقه گرانی ولایت فراه باعث کشته شدن ۱۴۵ غیرنظامی از جمله ۹۲ کودک و ۲۲ زن شد. حملات هوایی آمریکا در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰ به منطقه سنگین ولایت ننگرهار باعث کشته شدن بیش از ۵۲ زن و کودک بی‌گناه شد. بیش از ۴۰۰ نفر در خیابان‌های کابل به تظاهرات پرداخته و این حمله را محکوم کردند. هیئتی از کابل برای تحقیق به منطقه اعزام شدند. براساس بررسی‌های هیئت، تمامی کشته‌شدگان زنان و کودکان بودند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در ۳ اکتبر ۲۰۱۵، با جنگنده لاکهید AC-۱۳۰U بیمارستان قندوز در شمال افغانستان را هدف حمله قرار داد. در این حمله دست‌کم ۴۲ غیرنظامی کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. سازمان پزشکان بدون مرز پس از این فاجعه اعلام کرد که بیش‌تر کلیه هشدارها راجع به موقعیت مکانی بیمارستان به نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا داده شده بود و این حمله عمدی صورت گرفته است. این سازمان در ادامه حمله به بیمارستان را نقض حقوق بین‌الملل عنوان کرد و تمامی کارمندان خود را از این شهر خارج کرد.

— همدستی با رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران

جنگ رژیم بعث عراق با ایران، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش هم‌زمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد. در طی این جنگ نابرابر که همه قدرت‌های جهانی بخصوص آمریکا از صدام حمایت می‌کردند، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند. شهدای بسیجی ۸۵ هزار و ارتشی ۴۸ هزار نفر بودند. بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از ۳۵۰۰ دانشجو هم طی این هشت سال به شهادت رسیدند. روحانیت نیز ۳۳۱۷ شهید داشتند. در این دوران شهادت ساله نیز ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی در دفاع از خاک میهن شهید شدند و ۲ هزار تبعه غیرایرانی نیز با حضور در جبهه‌ها به شهادت رسیدند.

در پشت صحنه این جنایت‌های جنگی وحشیانه، آمریکا قرار داشت که تلاش داشت از اهرم‌های منطقه‌ای برای مهار ایران و قدرت روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، عراق را بیش از گذشته با انگیزه‌تر کرد. ماهواره‌های آمریکا تصاویر نبرد و اطلاعات استراتژیک نظامی را ساعت به ساعت به ایستگاه‌های آمریکا منعکس می‌کردند و ایستگاه‌های ردیابی، کلیه مکالمات نیروهای مسلح ایران را ثبت کرده و در اختیار ارتش صدام حسین می‌گذاشتند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد یک نیروی نظامی امنیتی در خلیج فارس با نظارت و رهبری

آمریکا، در واقع حضور نظامی آمریکا در منطقه را مشروعیت بخشید تا در صورت تضعیف عراق و برتری ایران، آمریکا مستقیماً کفه ترازو را به نفع عراق سنگین‌تر کند. رژیم بعث عراق همچنین جنگ از راه دور (جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و حملات موشکی بر علیه مراکز اقتصادی) را در رئوس اهداف نظامی خود قرار داد و آمریکا در راس کشورهایی بود که امکانات نظامی وسیعی را در این زمینه در اختیار دولت بعثی عراق قرار دادند.

– جنایت امریکادر عراق

جنگ عراق یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با حمله یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق آغاز شد. این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ به‌طور رسمی خاتمه یافت. هر چند بعد از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمده‌تاً به بهانه آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند.

دو توجیه عمده برای آغاز این جنگ توسط جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد که یکی از آن‌ها رابطه صدام حسین با القاعده و دیگری نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق بنابر توافق‌نامه ۱۹۹۱ بود. تجاوز به زنان و کودکان، بهره‌گیری از سلاح شیمیایی، کشتار جوانان و مخالفان حمله نظامی آمریکا، تخریب نهادهای آموزشی و بهداشتی، غارت اموال مردم، کشتار بی دلیل بی گناهان، آزار و اذیت کودکان، کشتار دسته جمعی اهالی روستاهای عراق، زنده به گور کردن مخالفان، به آتش کشیدن روستاهای مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق و... برخی از جنایت‌های آمریکا در کشور عراق است.

شمار نظامیان آمریکایی که در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند به ۴ هزار و ۷۹۵ نفر رسید و هزینه جنگ در عراق ۷۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

براساس این جنگ افروزی آمریکا، در عراق تا سال ۲۰۰۷ سوء تغذیه کودکان به ۲۸٪ رسید و گزارش‌ها حاکی از آن بود که حدود ۶۰ تا ۷۰٪ از کودکان عراقی دچار مشکلات روانی شده‌اند. بیشتر عراقی‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند. به نظر می‌رسید شیوع وبا در شمال عراق به سبب کیفیت پایین آب بوده باشد. بیش از نیمی از پزشکان عراقی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ این کشور را ترک کردند. گفته می‌شود که کاربرد اورانیوم ضعیف‌شده و فسفر سفید در سلاح‌های آمریکایی باعث نارسایی‌های نوزادان و سرطان گسترده در فلولجه شده است.

بنابر آمارهای کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۴/۴ میلیون عراقی تا پایان ۲۰۱۵ آواره شده‌اند. در طول جنگ جمعیت مسیحیان عراقی به شدت کاهش پیدا کرد به طوری که از ۵/۱ میلیون نفر در ۲۰۰۳ به ۵۰۰۰۰۰ نفر در ۲۰۱۵ رسید.

طبق آمار ویکی‌لیکس پیرامون گزارش‌های روزانه طبقه‌بندی‌شده جنگ عراق، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ نیز ۶۶۰۸۱ غیرنظامی کشته شدند. این در حالی است که براساس پژوهش مؤسسه نظرسنجی ORB که در تاریخ اوت ۲۰۰۷ منتشر شده است، ۱۰۳۳۰۰۰ مرگ خشونت‌بار ناشی از جنگ در کشور عراق اتفاق افتاده است.

– حمایت‌های بی‌چون و چرا از اسرائیل و ماشین جنگی آن

از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، ایالات متحده آمریکا حمایت‌های بی‌چون و چرایی را از این رژیم داشته است. این حمایت‌ها که به تقویت و توسعه ماشین نظامی و سرکوب‌گری رژیم اسرائیل و تداوم خشونت‌ها و جنایات این رژیم علیه مردم

فلسطین و دیگر ملت‌ها کمک نموده است، بُعد دیگری از خوی استکباری این کشور (ایالات متحده آمریکا) را نمایان می‌سازد.

• آمریکا بزرگترین تأمین کننده مالی-تسلیماتی صهیونیست‌ها بعد از جنگ جهانی دوم

بر اساس گزارشی که اندیشکده «شورای روابط خارجی» آمریکا به تازگی انتشار داده، فاش شده که رژیم صهیونیستی تبدیل به اصلی‌ترین متحد در بیرون از اعضای ناتو برای آمریکا شده است و این رژیم «دسترسی ممتاز به پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌های و تجهیزات نظامی آمریکا را دارد». این اندیشکده آمریکایی با تأکید بر اینکه «اسرائیل از زمان تأسیس به عنوان بزرگترین دریافت‌کننده تصاعدی کمک‌های خارجی آمریکا بوده»، نوشته است که رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۶ تا ۲۰۲۳، حدود ۲۱۶ میلیارد دلار کمک نظامی و ۸۱ میلیارد دلار کمک اقتصادی را از آمریکا دریافت کرده و مجموع این کمک‌ها به ۲۹۷ میلیارد دلار می‌رسد. بر اساس تحلیل کارشناسان این اندیشکده، تا سال ۲۰۲۸، آمریکا به طور سالانه بیش از چهار میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد و احتمال افزایش یافتن این رقم به علت جنگ و جنایت رژیم در غزه و تغییر شرایط جغرافیای سیاسی منطقه نیز وجود دارد.

گزارش اخیر «اداره پژوهش‌های کنگره» (سی‌آراس) افزون بر کمک‌های تسلیماتی، بر روی کمک‌های اقتصادی آمریکا به رژیم صهیونیستی تمرکز دارد و در بخشی از آن آمده است: «اکنون تقریباً تمام کمک‌های دوجانبه ایالات متحده آمریکا به اسرائیل در قالب کمک‌های نظامی است؛ اسرائیل از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ کمک‌های اقتصادی چشمگیری نیز دریافت کرد». کمک ۱۰ میلیارد دلاری آمریکا برای ایجاد سامانه دفاع

موشکی «گنبد آهنین» نیز بخشی از کمک‌هایی است که اداره پژوهش‌های کنگره در گزارش خود به آن اشاره می‌کند.

برخی رسانه‌های آمریکایی با انتشار گزارشی از دانشگاه براون تأکید کردند که آمریکا تنها در یک سال از آغاز طوفان الاقصی، حدود ۱۷,۹ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی به رژیم اشغالگر هزینه کرده است. بر اساس گزارش‌های آمریکایی، دولت بایدن در مدت یک سال از آغاز طوفان الاقصی، بیش از ۱۰۰ کمک نظامی با ارزش حدود ۲۵۰ میلیون دلار به رژیم اشغالگر انتقال داده که تنها دو مورد از آنها با تصویب کنگره بوده است.

• حمایت تاریخی رؤسای جمهوری آمریکا از رژیم صهیونیستی

تداوم حمایت‌های راهبردی از رژیم صهیونیستی در عین تلاش برای مدیریت رویکردهای آن، تقریباً در تمام دولت‌های آمریکا وجود داشته است. آمریکا در سال ۱۹۶۷ در ابتدا از هرگونه اتحاد نظامی با رژیم صهیونیستی خودداری می‌کرد اما تنها یکسال پس از آن با نقش‌آفرینی کنگره، هواپیماهای فانتوم جدید به رژیم صهیونیستی تحویل داده شد تا برتری نظامی این رژیم بر عرب‌ها میسر شود.

در دولت بعدی آمریکا و دوران ریاست جمهوری کارتر، حمایت ظاهری از حقوق سیاسی فلسطینی‌ها با مطرح شدن ابتکار «کمپ دیوید»، سبب بروز تنش‌هایی در روابط دو طرف شد.

در دوره ریگان نیز حمایت آمریکا از همکاری امنیتی و مقابله با تروریسم، همزمان با گفت‌وگوها با سازمان آزادی‌بخش فلسطین انجام گرفت. بوش پدر نیز در مارس ۱۹۹۰ اعلام کرد که بیت‌المقدس شرقی بخشی از مناطق اشغالی است و در زمره حاکمیت رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌شود اما در همان دوره آمریکا مجدداً تعهد خود درباره

امنیت این رژیم را به ویژه بعد از بحران حمله عراق به کویت اعلام کرد. در دوره کلیتون نیز وی در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ زمینه توافق «اسلو» بین رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را فراهم کرد. در دوره بوش پسر، در سال ۲۰۰۶ و بعد از آغاز جنگ ۳۳ روزه، شورای امنیت درخواست لبنان را برای اجرای آتش بس فوری بین رژیم صهیونیستی و لبنان رد کرد که ایالات متحده نقشی کلیدی در این زمینه داشت. در دوره ترامپ، آمریکا به دلیل گرایش خاص رئیس جمهور، روابط مشاور (داماد) او با سران صهیونیست، سیاست‌های وی در انتقال سفارت آمریکا به قدس اشغالی، خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ و نیز حمایت‌های نظامی از این رژیم، در مجموع حمایت‌های تمام عیاری را از تل‌آویو به عمل آورد؛ حمایت‌هایی که در دولت بایدن نیز تداوم یافت و اوج آن را می‌توان در جریان جنگ جاری در نوار غزه مشاهده کرد.

• حمایت سیاسی و سرپوش گذاشتن بر جنایات رژیم اسرائیل

آمریکا از بدو تشکیل رژیم صهیونیستی با گذاشتن «سرپوشش سیاسی» بر جنایات رژیم صهیونیستی، حامی اصلی انعقاد بسیاری از قراردادهای عادی سازی بین این رژیم و کشورهای عربی بوده است. در چارچوب همین حمایت‌ها، از زمان عملیات طوفان الاقصی، جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا و وزیران امور خارجه و دفاع آمریکا، شخصا از سرزمین‌های اشغالی دیدار کرده و بر حمایت سیاسی از رژیم اشغالگر بارها تأکید کرده‌اند.

• حمایت از اسرائیل در مجامع بین‌المللی

ایالات متحده آمریکا در مجامع بین‌المللی به ویژه سازمان ملل و شورای امنیت، همواره حمایت کامل خود را از رژیم صهیونیستی داشته است. به عنوان مثال، هر زمان که لازم بوده است، وتوی آمریکا در شورای امنیت، سپر رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. بر

اساس آمار رسمی، ایالات متحده بیش از ۵۰ بار از تو به نفع رژیم اشغالگر استفاده شد.

• سرکوب مخالفان اسرائیل در آمریکا

امریکا همواره تظاهرات مردم این کشور در حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مخالفت با اقدامات و جنایات اسرائیل را در خاک خود با خشونت و بازداشت سرکوب کرده است. نمونه بارز این نوع حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی، سرکوب موج اعتراضات دانشجویان آمریکایی بعد از تهاجم این رژیم به غزه است.

• حمایت مستقیم نظامی از اسرائیل

آمریکا ساعاتی پس از تجاوز رژیم صهیونیستی به غزه در ۸ اکتبر ۲۰۲۳، ناوها و هواپیماهای جنگی خود را به منطقه ارسال و آمادگی خود را برای ارائه هر آنچه مورد نیاز رژیم صهیونیستی است اعلام کرد.

در پایان این قسمت، در خصوص روابط ایالات متحده آمریکا از اسرائیل و حمایت همه جانبه‌ی این کشور از رژیم تجاوزگر صهیونیستی باید به این نکته اشاره نمود که هر چند دولت‌های مختلف آمریکا گاهی در صورت تعارض سیاست‌های خود با تل‌آویو، محدودیت‌هایی را برای این رژیم اعمال کرده‌اند، اما روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی از آن دسته روابطی است که با تحول‌های سیاسی داخلی در درون کابینه رژیم و همچنین در کاخ سفید کمتر دچار نوسان شده است. در واقع می‌توان گفت که اختلافات دو طرف بیشتر جنبه تاکتیکی دارد تا راهبردی. این روابط راهبردی از «هری ترومن» رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا که نخستین رهبر جهان در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی بود تا امروز در دولت بایدن تداوم یافته است.

«جیمی کارتر» رئیس جمهوری پیشین آمریکا در مصاحبه چند ماه پیش خود این گونه به حمایت بی چون و چرای آمریکا از رژیم اشغال‌گر اسرائیل اشاره می‌کند: «من به عنوان یک مسیحی در سیاست آمریکا به همراه خیلی‌های دیگر متعهد به یک قانون هستیم. آن قانون می‌گوید هرچه رژیم صهیونیستی در هر زمان انجام داد باید مورد حمایت قرار بگیرد و در عین حال باید به وسیله رسانه، افکار عمومی را برای پذیرفتن آن متقاعد کرد... ما مأمور به حمایت از سیاست‌های اسرائیل هستیم؛ هر چه که باشد...»

این حمایت کورکورانه آمریکا از رژیم صهیونیستی باعث شده که صهیونیست‌ها به بزرگترین جنایتکاران تاریخ تبدیل شوند که شهادت بیش از ۳۷ هزار نفر در جنگ غزه، ترور و به شهادت رساندن اسماعیل هنیه، سید حسن نصرالله، سردار نیل‌فروشان، یحیی سنوار و ... تنها گوشه‌ای از پرونده قتل‌های جنایات و نسل‌کشی آنان است. همچنین این حمایت همه‌جانبه باعث شده که رژیم صهیونیستی افزون بر ترور و آتش‌افروزی در نقاط مختلف منطقه، به توسعه زرادخانه اتمی خود ادامه دهد. این رژیم جعلی تا کنون از امضای پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و نیز صدور مجوز برای بازرسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای خود امتناع کرده‌است.

۲) کشورهای غربی؛ ایادی استکبار جهانی

چنانکه در مقدمه بخش بیان گردید، کشورهای غربی به ویژه انگلیس، فرانسه و برخی دیگر از کشورها با دنباله‌روی از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، به کشورهای فعال در جبهه استکبار جهانی تبدیل شده‌اند و جهان را از اقدامات خود متأثر ساخته‌اند. در

ادامه به تفکیک به اقدامات جنایتکارانه و مستکبرانه‌ی انگلیس و فرانسه به عنوان ایادی استکبار جهانی اشاره می‌شود.^۱

الف) انگلیس^۲

- جنایت انگلیس در افغانستان

جنگ اول افغانستان و انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) در بخش جنوبی دره هلمند روی داد. این جنگ، یکی از اولین لشکرکشی‌های بزرگ قرن نوزدهم در جریان رقابت‌ها بر سر صاحب قدرت و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود که با عنوان بازی بزرگ امپراتوری بریتانیا شناخته می‌شود. در این جنگ تعداد زیادی از مردم حوالی هلمند به قتل رسیدند و ترس و وحشت در افغانستان به وجود آمد. در عین حال، آبادانی و توسعه افغانستان متوقف شد و قتل و غارت در این کشور فزونی یافت و تعدادی از غیرنظامیان در این لشکرکشی کشته شدند.

- اشغال هند و قحطی‌های کشنده

طی اشغال هند توسط نیروهای بریتانیا، بر اساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی، بیماری، بدرفتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیس و یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. از سال ۱۹۴۲ نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم

۱- مروری بر جنایت‌های امریکا، انگلیس و فرانسه در طول تاریخ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل دسترس در:

<https://irdc.ir/0001h8>

۲- همان

استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود ۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۳ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، تمامی کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب قحطی بزرگی این بار نیز در ایالت بنگال هند جان میلیون‌ها هندی را گرفت.

کشتار آمریت سر در پنجاب هندوستان به تاریخ ۱۹۱۹ یکی دیگر از فجایع جنگی انگلیس در هندوستان است. در طی این کشتار، معترضین به شکل مسالمت‌آمیز در مکانی جمع شدند تا به حکومت‌داری امپراتوری بریتانیا و شرایط اقتصادی اعتراض کنند. نیروهای انگلیسی به‌جای شنیدن صدای معترضین تمام خروجی‌ها را بستند و همه را به رگبار بستند. در عرض ۱۰ دقیقه حدود ۱۰۰۰ نفر کشته و همین میزان به‌شدت زخمی شدند. پارلمان انگلستان سرتیپ ریچینالد دایر فرمانده نیروها که دستور شلیک را صادر کرده بود را احضار کرد ولی به وی مدال شجاعت داد و با پاداشی ۹۰۰ هزار دلاری وی را ناجی هندوستان نامید.

– جنگ بوئر در آفریقای جنوبی

انگلستان در طول جنگ‌های بوئر (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲) چندین هزار انسان بی‌گناه را فقط برای جلوگیری از خطرات احتمالی شورش داخلی، در اردوگاه‌های کار اجباری زندانی کرد. در عرض یک سال ۱۰ درصد از مردم بوئر در مریضی و گرسنگی این اردوگاه‌ها مردند تا دولت بریتانیا به اهداف استعماری و اقتصادی خود در آفریقا برسد. سیاست‌های

انگلیس برای کنترل مردم آفریقای جنوبی حدود ۴۸ هزار کشته غیرنظامی، شامل زنان و کودکان برجای گذاشت. این آمار جدای از ۳۰ هزار کشته‌شده جنگ بوئر است.

– نسل‌کشی ایرانیان در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹

در طول تاریخ، انگلیس جنایات متعددی را در ایران مرتکب شده است. یکی از آن جنایات کشتار تقریباً ۴۰٪ از جمعیت ایران در طول سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی بوده است. به دیگر سخن انگلیس تقریباً ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران را در طول این سال‌ها قتل عام کرد.

در آن دوران انگلیس نه تنها از پرداخت پول درآمدهای نفتی ایران امتناع می‌کرد بلکه غلات ایران را غارت کرده و نیز اجازه نمی‌داد تا غلات و مواد غذایی از کشورهای دیگر، نظیر آمریکا، هند و ... وارد ایران شود و این امر باعث شده بود تا قیمت مواد خوراکی و غلات در ایران به شدت افزایش یابد و قحطی ایران را فرا بگیرد و در اثر گرسنگی و سوء تغذیه بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان طی دو سال جان خود را از دست بدهند.

براساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ میلادی ۲۰ میلیون نفر بوده است. این جمعیت در ۵ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون نفر تقلیل یافته است و علت آن سیاست نسل‌کشی انگلیس در ایران بوده است.

– بمباران شیمیایی عراق توسط انگلیس

بمباران شیمیایی عراق به دستور چرچیل یکی از فجایع انسانی در طول تاریخ است. انگلیسی‌ها سلاح‌های شیمیایی خود را در عراق آزمایش کرده‌اند که مقدمات اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ را فراهم کرد.

در سال ۱۹۱۹ سرهنگ آرتور هریس ملقب به هریس بمب افکن گفت: اعراب و کردها اکنون می‌فهمند که معنی واقعی بمباران چیست زیرا ظرف ۴۵ دقیقه می‌توانیم روستاها و یک سوم ساکنان آن را نابود کنیم.

در آن زمان فرماندهی نیروی هوایی انگلیس در آسیای غربی، آزمایش سلاح شیمیایی بر اعرابی که سرسختانه مقاومت می‌کردند را تقاضا کرد. وینستون چرچیل وزیر جنگ وقت حمایت گسترده خود را از بکارگیری گازهای سمی بر ضد عشایر عراق اعلام کرد. استفاده از گازهای کشنده در سال ۱۹۲۰ نیز ادامه یافت. نیروی هوایی انگلیس بار دیگر در سال ۱۹۲۵ از این سلاح‌ها برای سرکوب اهالی سلیمانیه عراق استفاده کرد. انگلیسی‌ها پاسخ ناآرامی‌های داخل عراق را با حملات شیمیایی ارتش در جنوب، و بمباران جنگنده‌های نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در شمال و جنوب دادند. بمب‌گذاری، بمباران شبانه، بمب‌افکن‌های سنگین، بمب‌های تأخیری (که به خصوص جان کودکان را تهدید می‌کند) همه و همه در طول حملات بر روستاهای کاه‌گلی و سنگی توسط انگلیس در کشور عراق رخ داد.

نیروی هوایی سلطنتی در آغاز به منظور سرکوب شورش اعراب و کردها و محافظت از ذخایر نفتی تازه اکتشاف شده و محافظت از شهرک‌نشینان یهودی در فلسطین و دور نگاه داشتن ترکیه به عراق اعزام شد. چرچیل به خصوص بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی مصرّ بود و می‌گفت این سلاح‌ها باید علیه "اعراب سرکش" به طور آزمایشی به کار روند. در این راستا حملات به روستاها آغاز شد.

یکی دیگر از روش‌های انگلیسی‌ها در برخورد با عراقیان به رگبار بستن اهالی قبایل در حال فرار از آلودگی شیمیایی بود. با این روش چندین هزار عراقی دیگر نیز کشته شدند.

– قتل عام مردم آلمان توسط انگلیس در جنگ دوم جهانی

انگلستان و فرانسه در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ علیه آلمان رایش اعلان جنگ دادند. دو روز بعد از این واقعه انگلستان بمباران شهرها و جمعیت غیرنظامی آلمان را آغاز کرد. در ۵ سپتامبر ۱۹۳۹ اولین حملات هوایی علیه شهرهای کوکس‌هاون و ویلهلم‌شاون انجام گرفت؛ در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۰ شهر وسترلند بمباران شد. در ۲۰ مارس، ۱۱۰ بمب انفجاری و آتش‌زا بر فراز شهرهای کیل و هرنوم رها شدند. در این حمله یک بیمارستان به کلی تخریب شد. در آوریل ۱۹۴۰، بمب‌افکن‌های ارتش بریتانیا حملاتی فزاینده علیه شهرهایی انجام دادند که دارای هیچ نوع تأسیسات و اهمیت نظامی نبودند. وینستون چرچیل در ۱۱ می ۱۹۴۰، و درست یک روز بعد از انتصاب به عنوان نخست‌وزیر و وزیر جنگ تصمیم گرفت دستوری مبنی بر انجام حملات هوایی وسیع علیه مردم غیرنظامی آلمان صادر کند. با این حال وی مردم انگلستان را از اتخاذ این تصمیم مطلع نکرد. قربانیان بمباران درسدن، تلفات و نحوه کشته شدن قربانیان، فجیع‌تر و فراتر از یک عملیات و بمباران ساده نظامی بود. هدف نیروهای متفقین نابود کردن مردم آلمان به ترسناکترین شکل ممکن بود. وی در صبح روز بعد از بمباران به هواپیماهای سبک دستور داد که بازماندگان بمباران‌ها را در ساحل رودخانه الب به رگبار ببندند.

– کشتار مردم ایرلند شمالی

در شمال ایرلند شواهد معتبری در رابطه با تعداد موارد کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی سربازان انگلیسی موجود است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ پرسنل نظامی انگلیس بیش از ۳۰۰ شهروند مرد، زن و کودک را به قتل رسانده‌اند. تمامی قربانیان غیرمسلح بودند و هیچ یک خطر جانی برای سربازان انگلیسی به شمار نمی‌رفتند. در میان کشته‌شدگان کشیشان کاتولیک، زنان مسن، کودکان و حتی دختران نوجوان به چشم

می‌خورند. اسنادی از دولت انگلیس منتشر شده است که در سال ۱۹۷۲ به تمامی سربازان انگلیسی متهم به کشتار شهروندان غیرنظامی در شمال ایرلند بخشودگی تعلق گرفت.

– کشتار مردم یمن

شکنجه‌گاه‌های عدن در یمن طی سال‌های ۱۹۶۳–۱۹۶۶ یکی دیگر از جنایت‌های انگلستان است. در دهه ۱۹۶۰ یمنی‌ها برای در دست گرفتن بندرگاه یمن دست به کار شدند. انگلیسی‌ها بهترین راه سرکوب مخالفان را در ایجاد شکنجه‌گاه‌های مخوف دیدند. نگاه‌داری مخالفان در سلول‌های یخچالی با تن کاملاً برهنه موجب شد بسیاری از آن‌ها ذات‌الریه بگیرند و از بین بروند. سوزاندن بدن‌ها با سیگار، نشان دادن زندانیان برهنه روی نيزه و تجاوز جنسی از دیگر شکنجه‌های این مراکز بود.

(ب) فرانسه^۱

– جنگ الجزایر

در ۱۸ مه ۱۸۳۰ فرانسه به بهانه آن که فرمانروای الجزایر، سه سال پیش از آن، برای وصول هفت میلیون فرانک طلب این کشور از فرانسه، پاریس را تهدید کرده بود، دستور حمله به الجزایر را صادر کرد. اما بر خلاف تصور دولت مردان فرانسه، مردم الجزایر در مقابل حمله به کشورشان به شدت مقاومت کردند و حتی پس از اشغال این کشور توسط سربازان فرانسوی، امیر عبدالقادر الجزایری، سال‌ها با آن‌ها مبارزه کرد. با این وصف، به دلیل برتری تجهیزات فرانسویان، آنان پس از کشتار و شکنجه مردم و

تجاوز به عنف در این کشور و سرکوب مقاومت آزادی‌خواهان مسلمان الجزایری، بر این کشور مسلط شدند.

سرانجام در سال ۱۹۶۲، پس از یک جنگ استقلال‌طلبانه خونین که طی آن بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ نفر به دست ارتش فرانسه و جبهه ملی آزادی کشته شدند، کشور الجزایر به پایتختی الجزیره اعلام استقلال کرد. بهانه حمله به الجزایر ادب کردن پادشاه آن کشور خوانده شد اما نتیجه آن تخریب آبادی الجزایر و آوارگی ملت آن و شکنجه و کشتن هزاران الجزایری و تجاوز وحشیانه به نوامیس آنان بود. از جمله جنایت‌های تاریخی این اشغال جدا کردن سر مسلمانان توسط نیروهای فرانسوی در الجزایر بود.

– جنایات فرانسه در جنگ جهانی دوم

کشتار آندلوت یکی از فجایع جنگی فرانسوی‌ها در ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۴ است. در این تاریخ نیروهای فرانسوی حدود ۵۰۰ اسیر آلمانی را در انباری جمع کردند و به دستور فرمانده با تانک به جمعیت شلیک کردند. دست و پای قربانیان به همه سو پراکنده می‌شد و آن‌هایی که هنوز نفس می‌کشیدند را با مسلسل تیرباران کردند.

در دوران جنگ جهانی دوم، در آوریل ۱۹۴۵ شهر فرودنشتات در جنوب غربی آلمان مورد هجوم نیروهای فرانسوی قرار گرفت. فرانسوی‌ها این شهر را که مردم غیرنظامی در آن سکونت داشتند به مدت ۱۶ ساعت زیر توپ گرفتند. حدود ۶۰۰ ساختمان، یعنی ۹۵ درصد از کل شهر در این چند ساعت نابود و ۱۴۰۰ خانوار آواره شدند. فرانسوی‌ها طی حملات بعدیشان از هر گونه خشونت و تجاوزی استفاده کردند. سربازان فرانسوی سربازان آلمانی را آغشته به گازوئیل می‌کردند و به آتش می‌کشیدند و سوختشان را تماشا می‌کردند. صدها اسیر آلمانی در فرودگاه لوبورژه در نزدیکی پاریس کشته شدند و بسیاری از اسرا زیر چرخ‌های تانک توسط فرانسوی‌ها از بین رفتند.

— کمک‌های فرانسه به رژیم بعث در جنگ تحمیلی علیه ایران

مجموعه کمک‌های نظامی و اطلاعاتی فرانسه از قبل از جنگ ایران و عراق یعنی سال ۱۹۷۳ شروع شد و با شروع جنگ ۸ ساله نیز این کمک‌ها شدت گرفت. حجم کمک‌های نظامی و فروش تجهیزات فرانسه به عراق در طول جنگ تا حدی بود که این کشور در رده دوم فروشندگان تسلیحات به عراق قرار گرفت. با توجه به سند شماره ۵۳/۴/۲۰۹۹/د مورخ ۲ آوریل ۱۹۸۷ وزارت دفاع عراق، فیلیپ روندو، از نقش خود در ارسال هواپیماهای میراژ و موشک‌های رولاند خطاب به عدنان خیرالله سخن می‌گوید. وی همچنین خبر از بحث در هیئت دولت فرانسه بر سر امکان دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ می‌دهد.

دکترین نیروی هوایی عراق بیش از شوروی به فرانسه نزدیک بود. رژیم بعث از بهترین خلبانان خود بجای هواپیماهای شوروی، بر روی هواپیماهای فرانسوی استفاده می‌کرد. فرانسه قرار داد فروش ۱۳۳ فروند داسو میراژ اف ۱ را بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷ با عراق امضا کرد. فرانسه ۵ فروند سوپر اتاندارد در اختیار عراق قرار داد که به موشک اگزوست مجهز شده و در جنگ نفتکش‌ها توسط عراق بکار گرفته شد. در همین راستا، فرانسه هلیکوپترهای آئروسپاسیال آلوت ۴ پوما (بالگرد) سوپر فرلون را در اختیار عراق قرار داد.

اطلاعاتی که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد نشان می‌داد که فرانسه از تأمین کنندگان زنجیره تولید بمب‌های شیمیایی برای عراق علیه ایران بوده‌است. ده‌ها هزار ایرانی که بخش عمده‌ای از آنان را غیر نظامیان تشکیل می‌دادند از جمله ده‌ها هزار کرد عراقی با بمب‌های شیمیایی صدام قتل‌عام یا مجروح شدند و پس از تحمل سال‌ها درد و رنج از دنیا رفتند.

– عملیات هوایی، نظامی و اطلاعاتی فرانسه علیه لیبی

فرانسه در سال ۲۰۱۱ میلادی نقش مهمی در حملات هوایی ناتو به لیبی داشته است. پاریس همچنین تایید کرده است که یک پایگاه نظامی پیشرفته را در شمال نیجر در مرز لیبی احداث کرده است. حمله هوایی علیه ارتش لیبی اولین بار توسط نیروی هوایی فرانسه انجام شد و طی اقدامات نیروهای فرانسوی، بسیاری از غیرنظامیان کشته شدند.

۳) اسرائیل؛ ولدِ ناپاک و عامل استکبار جهانی:

اسرائیل بر اساس ایده صهیونیسم، در ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۸ میلادی)، با برنامه‌ریزی و حمایت همه‌جانبه‌ی جبهه‌ی استکبار جهانی و اشغال سرزمین فلسطین اعلام موجودیت کرد. این رژیم ضمن آنکه ولدِ ناپاک استکبار جهانی در روزِ نکبت می‌باشد، با اقدامات و جنایات مختلف خود، در واقع عامل اجرای سیاست‌ها و تحقق نیات شوم کشورهای غربی به ویژه شیطان بزرگ، ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

الف) اسرائیل؛ ولدِ ناپاک استکبار:

جنایات و اقدامات شوم رژیم اشغالگر قدس در تاریخ کوتاه ۷۶ ساله‌ی خود به خوبی نشان دهنده‌ی خوی استکباری آن و حمایت‌های ظالمانه جبهه استکبار جهانی است:^۱

– کشتار الخصاص

۱۲ دسامبر ۱۹۴۷ / کشتن ۱۲ نفر (۷ مرد، ۱ زن، و ۴ کودک) / توضیحات: گروه هاگانا برای انتقام از کشته شدن یک کیبوتص‌نشین به خانه امیر فئور، کدخدای

۱- وحشتناک‌ترین جنایات صهیونیست‌ها در تاریخ اشغال فلسطین، سایت خبری مشرق، قابل دسترس

در:

روستای الخصاص در نزدیکی مرزهای سوریه و لبنان حمله کرد و مردم را به خاک و خون کشید؛

– کشتار بلدالشیخ

۳۰ دسامبر ۱۹۴۷ / کشته شدن حدود ۷۰ نفر / توضیحات: گروهی مرکب از نیروهای مسلح هاگانا و پالماخ به روستای بلدالشیخ (در حال حاضر تل غنان) حمله کردند و اهالی روستا را به خاک و خون کشیدند؛

– کشتار طنطوره

۲۲ مه ۱۹۴۸ / قتل عام ۲۵۰ فلسطینی / آوارگی ۱۲۷۰ نفر / توضیحات: تجاوز به دختران و در قفس انداختن مردان و سوزاندن مردم؛

– کشتار دیر یاسین:

۹ آوریل ۱۹۴۸ / کشتار ۲۵۰ نفر / توضیحات: کشتار یک عروس و داماد همراه با مهمان‌هایشان، بیرون آوردن جنین از شکم مادر و بریدن سر جنین / کشتار مردم روستا توسط زنان صهیونیستی؛

– جنایت اللد و الرمله:

ژوئن ۱۹۴۸ / کشتار ۱۷۶ فلسطینی / صهیونیست‌ها با حمله به این دو روستا، به جز ۲۵ خانواده، هیچ فردی اعم زن و مردم و پیر و کودک رازنده نگذاشتند.

– قتل عام الدوایمه:

۱۴ ژوئن ۱۹۴۹/ قتل عام بیش از ۱۷۰ فلسطینی و صدها زخمی / توضیحات: تجاوز به زنان و قتل عام دسته جمعی ۱۰ خانواده از دو عشیره العوامره و القسیه که به یک غار پناه برده بودند.

– کشتار حولا (مرز فلسطین و لبنان):

۳۱ اکتبر ۱۹۴۸/ کشته شدن ۸۰ شهروند لبنانی و فلسطینی / توضیحات: جمع کردن ۸۰ نفر از مردان روستای حولا در یک خانه و کشتار دسته جمعی آنان/ حمله برای جلوگیری از مراجعت فلسطینیان به وطن‌شان؛

– انفجار هتل ملک داوود در بیت المقدس:

۱۲ ژوئیه ۱۹۴۶/ کشته شدن بیش از ۲۰۰ تن / توضیحات: این هتل محل رفت و آمد فراوان شهروندان فلسطینی و اقامت مسافران بود و توسط گروه تروریستی صهیونیستی ایرگون منفجر شد.

– کشتار قبیله:

۱۴ اکتبر ۱۹۵۳/ کشتار ۶۹ فلسطینی / ابتدا حمله با توپخانه به روستا به رهبری آرل شارون و سپس انداختن بمب در خانه و کشتار زنان و کودکان فلسطینی که در این خانه‌ها ساکن بودند.

– کشتار مردم شهر خان یونس:

۳ نوامبر ۱۹۵۶/ کشتار ۲۷۵ فلسطینی در جستجوی خانه به خانه‌ی فدائیان / توضیحات: اعدام دسته جمعی مردم در جستجوی خانه به خانه برای یافتن فدائیان؛

– کشتار کفر قاسم:

۲۹ اکتبر ۱۹۵۶ / کشتار ۴۸ فلسطینی / کشته شدن ۴۸ تن شامل ۱۹ مرد، ۶ زن، ۷ پسر بچه (۸ تا ۱۳ ساله)، ۱۰ پسر نوجوان (۱۴ تا ۱۷ ساله) و ۶ دختر (۱۲ تا ۱۵ ساله) گردید. منابع عربی معمولاً تعداد کشته‌ها را ۴۹ نفر ذکر می‌کنند، زیرا شامل فرزند متولد نشده‌ی یکی از زنان باردار می‌شود.

– کشتار وحشیانه در اردوگاه صبرا و شتیلا:

۱۶ الی ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ / شهادت ۷۰۰ الی ۳۵۰۰ نفر از فلسطینیان / توضیحات: کشتار وحشیانه ساکنان این دو اردوگاه که اعضای آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. با کارد شکم زنان حامله دریده شد، سرها از تن جدا شد و با سرنیزه بر روی بدن خونین کودکان و زنان، نشان صلیب کشیده شد. بمباران اردوگاه با بمب فسفری و کشتار مردم بی‌گناه؛

– بمباران اردوگاه البرج الشمالي:

۷ ژوئن ۱۹۸۲ / کشتار ۹۴ فلسطینی / توضیحات: بمباران اردوگاه با بمب‌های فسفری و کشتار مردم بی‌گناه؛

– فلسطین اشغالی:

۸ دسامبر ۱۹۸۷ / کشته شدن ۴ کارگر فلسطینی توسط راننده صهیونیست / توضیحات: یک راننده صهیونیستی، گروهی از کارگران فلسطینی ساکن شهرک جبایلیا و اردوگاه جبایلیا را در حین بازگشت از محل کارشان در سرزمین‌های

اشغالی ۱۹۴۸ با خودرو زیر گرفت که در پی این جنایت ۴ تن از آنان به شهادت رسیدند. (شروع انتفاضه اول)؛

— کشتار مسجد الاقصی:

۱۸ اکتبر ۱۹۹۰/۲۲ نماز گزار کشته و ۲۰۰ نفر زخمی/ توضیحات: کشتار نماز گزاران فلسطینی در مسجد الاقصی که جریان انتفاضه اول را شعله‌ورتر کرد؛

— کشتار عیون قاره:

۲۰ مه ۱۹۹۰/ کشتن ۸ کارگر فلسطینی/ توضیحات: در جریان حمله و آتش گشودن به کاروان کارگران فلسطینی، ۸ نفر از آنان به شهادت رسیدند؛

— قتل عام در حرم ابراهیمی:

۲۵ فوریه ۱۹۹۴/۲۹ کشته و ۱۵۰ زخمی/ توضیحات: باروخ گولدشتاین پزشک صهیونیست و همراهانش، نماز گزاران فلسطینی را هنگام اقامه نماز صبح روز جمعه در ماه مبارک رمضان در حرم حضرت ابراهیم (ع) به رگبار بستند؛

— کشتار قانا:

۸ آوریل ۱۹۹۶/۱۰۶ کشته شامل پناهجوی غیرنظامی فلسطینی و لبنانی و ۱۶۶ زخمی (کشته شدن ۴ سرباز حافظ صلح)/ توضیحات: عمق این جنایت تا حدی بود که ۱۸ جنازه شناسایی نشد و تنها روی آن‌ها نوشته شد: "زن ناشناس"، "مرد ناشناس" و "کودک ناشناس"؛

— مسجدالاقصی:

۲۵ سپتامبر ۱۹۹۶/ کشتار ۶۸ فلسطینی/ توضیحات: طی حفر تونلی در زیر دیوار غربی مسجدالاقصی و اعتراض فلسطینیان در عرض چند روز، ۶۸ فلسطینی کشته و در حدود ۱۶۰۰ تن دیگر مجروح شدند؛

— انتفاضه دوم:

شروع از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵/ شهادت ۴ هزار و ۴۱۲ نفر و زخمی شدن ۴۸ هزار و ۳۲۲ نفر/ توضیحات: در انتفاضه دوم بیش از ۲ هزار نفر کشته شدند؛

— کشتار اردوگاه جنین:

۳ الی ۱۱ آوریل ۲۰۰۲/ کشتار ۱۵۲ فلسطینی/ توضیحات: کشتار زنان و کودکان و تخریب بیش از ۱۰۰ خانه؛

— جنگ اول غزه:

۲۷ دسامبر ۲۰۰۸/ کشتار ۱۳۰۰ و زخمی شدن ۵ هزار و ۳۰۰ فلسطینی/ توضیحات: بیشترین کشتار در روز اول این جنگ ثبت شد و اعراب آن را شبیه سیاه می‌نامند. در این روز زنان و کودکان زیادی کشته شدند؛

— جنگ دوم غزه:

۹ تا ۱۴ مارس ۲۰۱۲/ کشته شدن ۱۸ مجاهد و ۵ غیرنظامی فلسطینی و زخمی شدن ۷۴ نفر/ توضیحات: رژیم صهیونیستی در این جنگ از جنگنده‌های اف ۱۶ و اف ۱۵، تانک مرکاوا و بمب‌های فسفری علیه مردم بی‌گناه استفاده کرد؛

— جنگ سوم غزه:

۲۰۱۴/ کشتار بیش از ۲ هزار فلسطینی و برجای ماندن بیش از ۱۰۰۰ زخمی/ توضیحات: ۷۱۱ نفر از شهدا را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند که معادل ۳۵ درصد از کل کشته‌های این جنگ بود؛

— کشتار در فلسطین و غزه:

سال ۲۰۲۱/ کشتار ۲۴۸ نفر و مجروح کردن هزار و ۹۰۰ نفر/ توضیحات: در این جنگ که در خصوص بیرون راندن فلسطینیان از شیخ جراح، بیت‌المقدس شرقی در گرفت، نیروهای صهیونیستی به سرزمین فلسطین و غزه حمله کردند. چهار برج بلند، ۴۰ مدرسه و ۴ بیمارستان به طور کلی یا جزئی تخریب شد و ۱۹ مرکز پزشکی آسیب دید. علاوه بر این ۹۴ ساختمان غزه ویران شد؛

— جنگ غزه:

اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون/ کشتن بیش از ۳۵ هزار نفر و مجروح شدن هزاران نفر دیگر/ در این جنگ که از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز و تاکنون ادامه دارد، رژیم صهیونیستی با یورش به غزه و بمباران این شهر، هزاران فلسطینی را به خاک و خون کشیده است. بنا به گزارش ناظر حقوق بشر اروپا-مدیترانه، ۱۳ هزار کودک در این جنگ کشته شده‌اند. همچنین کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد اعلام کرده است که تاکنون بیش از ۹ هزار زن در این جنگ کشته شده‌اند؛

– ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس:

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران حماس، در ساعت ۱:۳۷ بامداد روز ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴)، به همراه محافظ شخصی خود در تهران، توسط یک حمله منتسب به اسرائیل ترور شد. این اقدام در حالی صورت گرفت که قوانین بین‌المللی را در سطوح مختلف ترور سیاسی، نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، اقدام تجاوزکارانه، و هدف قراردادن یک فرد دارای مصونیت دیپلماتیک، نقض کرد.

– ترور سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان:

رژیم غاصب اسرائیل طی حمله هوایی هدفمند خود به مرکز فرماندهی حزب الله لبنان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ که با استفاده از بمب‌های سنگر شکن انجام شد، سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله را به همراه تعدادی از فرماندهان حزب الله و همچنین عباس نیلفروشان، معاون عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به شهادت رساند.

ب) اسرائیل؛ عامل سیاست‌ها و تحقق نیت شوم آمریکا

مرور اقدامات نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که این رژیم همواره به عنوان ابزاری برای اجرای تصمیمات و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا به عنوان سردمدار جبهه‌ی استکبار جهانی و پیشبرد منافع و تحقق نیت این کشور در منطقه عمل کرده است. از این رو، می‌توان گفت که در بسیاری از جنگ‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی این دست شوم ایالات متحده است که از آستین رژیم اسرائیل، جنایات مختلفی را در منطقه انجام می‌دهد. در این قسمت کوشیده شده است تا ذیل چند مورد،

جایگاه رژیم اسرائیل به عنوان عامل آمریکا در توحش و ارتکاب جنایت در منطقه مورد بررسی قرار گیرد.

– اسرائیل؛ عامل سیاست‌های امنیتی و نظامی آمریکا در منطقه

اسرائیل به عنوان یک بازوی اجرایی مهم در سیاست‌های امنیتی و نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه عمل می‌کند. ایالات متحده از طریق اسرائیل تلاش می‌کند تا بدون نیاز به حضور مستقیم نظامی، به مقابله با کشورهای مانند جمهوری اسلامی ایران، سوریه و محور مقاومت بپردازد. فعالیت‌های نظامی اسرائیل به ویژه در مقابله با نفوذ ایران و حامیان آن، عملاً منافع استراتژیک آمریکا را تأمین می‌کند و نیاز این کشور به اعزام نیرو به مناطقی همچون کانال سوئز را کاهش می‌دهد. اسرائیل با برخورداری از حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا، نقش کلیدی در حفظ منافع واشنگتن در منطقه ایفا می‌کند و با انجام حملات نظامی و جاسوسی، از گسترش نفوذ قدرت‌های مخالف آمریکا جلوگیری می‌کند. این روابط نزدیک، اسرائیل را به مهم‌ترین ابزار واشنگتن برای اجرای سیاست‌های نظامی و امنیتی خود در خاورمیانه تبدیل کرده است.

– اسرائیل؛ پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه در دوران جنگ سرد و بعد از آن

در دوران جنگ سرد و پس از آن، اسرائیل به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی و راهبردی آمریکا در خاورمیانه عمل کرده است. در طول جنگ سرد، آمریکا از اسرائیل به عنوان سپری در برابر نفوذ شوروی و گسترش ایدئولوژی‌های مخالف در منطقه استفاده کرد. اسرائیل با برخورداری از حمایت‌های مالی و نظامی آمریکا، به پایگاهی برای مقابله با کشورهای عربی هم‌پیمان شوروی تبدیل شد.

پس از پایان جنگ سرد نیز، این نقش استراتژیک اسرائیل حفظ شد و حتی گسترش یافت. اسرائیل به عنوان متحد نزدیک آمریکا، در مسائل امنیتی و نظامی خاورمیانه نقشی کلیدی ایفا می‌کند و با حضور فعال در درگیری‌های منطقه، منافع واشنگتن را تأمین می‌کند. حمایت‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا از اسرائیل همچنان ادامه دارد، و این کشور به عنوان پایگاهی حیاتی برای کنترل و مدیریت تحولات منطقه، به ویژه در مقابل قدرت‌های رقیب مانند ایران، عمل می‌کند.

– اسرائیل؛ منبع جمع‌آوری اطلاعات استراتژیک آمریکا در راستای نیل به اهداف سلطه‌طلبانه خویش بر جهان

اسرائیل به عنوان یکی از متحدان اصلی آمریکا، نقش مهمی در جمع‌آوری اطلاعات استراتژیک برای واشنگتن ایفا می‌کند. به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود در خاورمیانه، اسرائیل در خط مقدم نظارت و جمع‌آوری اطلاعات از کشورهای منطقه به ویژه ایران، سوریه و سایر بازیگران محور مقاومت قرار دارد. این اطلاعات ارزشمند به آمریکا کمک می‌کند تا سیاست‌های سلطه‌طلبانه خود را در منطقه به‌طور دقیق‌تری تنظیم و اجرا کند.

اسرائیل با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته جاسوسی، عملیات‌های سایبری و شبکه‌های گسترده اطلاعاتی، به یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی آمریکا در راستای کنترل و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. این همکاری اطلاعاتی، به آمریکا امکان می‌دهد بدون نیاز به حضور مستقیم نظامی در تمامی نقاط بحرانی، از تحولات آگاه باشد و سیاست‌های خود را برای حفظ هژمونی جهانی‌اش پیش ببرد. در واقع، اسرائیل با جمع‌آوری اطلاعات کلیدی، نقش مهمی در تقویت اهداف سلطه‌طلبانه آمریکا در جهان ایفا می‌کند.

– اسرائیل؛ عامل ایجاد نا امنی در منطقه و زمینه‌ساز مسابقه تسلیحاتی در منطقه و فروش تسلیحات

اسرائیل به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد نا امنی در منطقه خاورمیانه، نقش مهمی در تشدید تنش‌ها و به راه انداختن مسابقه تسلیحاتی ایفا می‌کند. سیاست‌های تهاجمی و نظامی‌گری اسرائیل، به‌ویژه در برابر کشورهایمانند ایران، سوریه و جنبش‌های مقاومت، کشورهای منطقه را به سوی تسلیح و تقویت نیروهای نظامی سوق داده است. این وضعیت باعث افزایش تقاضا برای تسلیحات و تجهیزات نظامی شده که به نفع صنایع تسلیحاتی آمریکا است.

ایالات متحده، به عنوان بزرگ‌ترین حامی نظامی و مالی اسرائیل، از این مسابقه تسلیحاتی بهره‌برداری کرده و با فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای منطقه، میلیارد‌ها دلار درآمد کسب می‌کند. در واقع، اسرائیل با تحریک تنش‌های منطقه‌ای و افزایش نیاز کشورهای عربی و اسلامی به تسلیحات مدرن، به یک ابزار مهم در استراتژی آمریکا برای تقویت نفوذ اقتصادی و نظامی‌اش در خاورمیانه تبدیل شده است. این دینامیک به‌طور مداوم امنیت منطقه را تضعیف می‌کند.

– اسرائیل؛ عامل تفرقه و تشتت و سرکوب‌کننده نهضت‌های رهایی بخش منطقه

بی تردید حفظ امنیت اسرائیل هرگز نمی‌توانسته است تنها هدف روابط ویژه میان آمریکا و اسرائیل بوده باشد. چرا که در غیر این صورت آمریکا می‌توانست به تلاش برای حفظ توازن نظامی و استراتژیک میان اسرائیل از یک سو و مجموعه کشورهای عربی از سوی دیگر بسنده کند. این در حالی است که دولت‌های مختلف در آمریکا از هر دو حزب (جمهوری خواه و دموکرات) همواره اتفاق نظر

داشته‌اند که اسرائیل باید نسبت به کشورهای عربی از برتری کیفی در فناوری نظامی برخوردار باشد. در واقع ورای امنیت اسرائیل می‌بایست علت مهم‌تری را برای حمایت‌های گسترده آمریکا از اسرائیل، جست‌وجو کرد. اسرائیل طی دهه‌های گذشته توانست با موفقیت مانع رشد و گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش در کشورهای عربی شود.

– اسرائیل؛ حافظ منافع آمریکا در منطقه

اسرائیل به عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در خاورمیانه، نقش کلیدی در حفظ و پیشبرد منافع استراتژیک آمریکا در این منطقه ایفا می‌کند. از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از این رژیم به عنوان ابزاری برای ایجاد ثبات برای اهداف آمریکایی‌ها در منطقه به کار رفته است.

اسرائیل با حضور نظامی قدرتمند و توانایی‌های اطلاعاتی بالا، به عنوان پایگاهی برای نظارت و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای علیه منافع آمریکا عمل می‌کند. این کشور به طور مداوم در جبهه‌های مختلف، از جمله مقابله با ایران و گروه‌های مقاومت، سیاست‌های آمریکا را در منطقه تقویت می‌کند. حمایت از اسرائیل به آمریکا این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به حضور گسترده نظامی در خاورمیانه، اهداف استراتژیک خود، از جمله کنترل منابع انرژی و ایجاد توازن قدرت به نفع غرب، را تحقق بخشد. در این چارچوب، اسرائیل نقش کلیدی در حفاظت از منافع آمریکا بازی می‌کند.

اسرائیل؛ پایگاه آمریکا برای مداخله در امور منطقه

اسرائیل به عنوان پایگاه آمریکا برای مداخله در امور خاورمیانه، نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های نظامی واشنگتن در منطقه ایفا می‌کند. این رژیم با انجام عملیات نظامی علیه گروه‌ها و کشورهای که با منافع آمریکا در تضاد هستند، مانند سوریه، حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن، به عنوان ابزار عملیاتی واشنگتن عمل می‌کند.

حملات هوایی اسرائیل به مواضع نظامی سوریه و حزب‌الله در لبنان، که با ادعای مقابله با تهدیدات امنیتی انجام می‌شود، در واقع بخشی از راهبرد آمریکا برای مهار نفوذ ایران و محور مقاومت است. همچنین، دخالت‌های اسرائیل در یمن و بمباران گاه‌وبی‌گاه مواضع حوثی‌ها، با هماهنگی غیرمستقیم آمریکا صورت می‌گیرد. این اقدامات اسرائیل، نه تنها به آمریکا اجازه می‌دهد از حضور مستقیم نیروهای خود در منطقه اجتناب کند، بلکه اهداف واشنگتن را در حفظ سلطه و امنیت مورد نظرش در خاورمیانه تقویت می‌کند.

اسرائیل؛ عامل نزدیک شدن آمریکا به منابع انرژی منطقه

اسرائیل به عنوان عامل نزدیک شدن آمریکا به منابع انرژی خاورمیانه، نقشی کلیدی در راهبردهای واشنگتن برای دسترسی به منابع حیاتی نفت و گاز منطقه ایفا می‌کند. با توجه به موقعیت استراتژیک اسرائیل و نقش آن در ایجاد و حفظ ائتلاف‌های منطقه‌ای، آمریکا توانسته است نفوذ خود را در نزدیکی منابع انرژی خلیج فارس و شرق مدیترانه تقویت کند.

حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل و تأمین تسلیحاتی این رژیم، به ایجاد ثبات نسبی در مناطق مورد نظر آمریکا برای دسترسی به انرژی کمک کرده است.

همچنین، از طریق همکاری‌های نظامی و امنیتی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به ویژه پس از توافقاتی عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و برخی کشورهای عربی، آمریکا توانسته است به منابع انرژی منطقه نزدیک‌تر شده و کنترل بیشتری بر جریان انرژی داشته باشد. در این راستا، اسرائیل به‌عنوان یکی از عوامل اصلی برای تحقق اهداف استراتژیک آمریکا عمل می‌کند.

بخش چهارم: استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی

در میان آرمان‌ها و اهداف بلند انقلاب اسلامی، استکبارستیزی از جایگاهی محوری برخوردار است به طوری که می‌توان این آرمان را صفت ذات انقلاب و جزء مفاهیم مُقوّم ماهیت آن قلمداد کرد. یعنی در صورت کنار گذاشتن استکبارستیزی، انقلاب اسلامی بدون تردید دستخوش دگردیسی هویتی خواهد شد. بررسی نقش و جایگاه آرمان استکبارستیزی در بستر گفتمان انقلاب اسلامی موضوع اصلی این بخش است.

۱) ریشه‌یابی استکبارستیزی در اندیشه معمار انقلاب اسلامی

استکبارستیزی را باید یکی از محوری‌ترین مفاهیم موجود در اندیشه و گفتمان امام خمینی (س) دانست که ردپای آن در قول و فعل ایشان در طول دوران حیاتش آشکارا قابل مشاهده است. اکنون این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که فلسفه استکبارستیزی بودن امام چیست و این مفهوم چگونه و از کجا به فضای اندیشه وی راه افته است؟ بدون تردید تراوشات فکری یک نظریه پرداز، فیلسوف یا متفکر بسیار نشأت گرفته از جهان‌بینی و نظام ارزشی مورد پذیرش وی می‌باشد.

با این حساب، قدم نهادن به آن قلمرو معرفتی و ارزشی که یک فرد با اثرپذیری از شرایط اقلیمی‌اش پرورش افته، پیش نیاز فهم تولیدات فکری وی خواهد بود. آراء سیاسی معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی (س) هم تماماً منبعث از اندیشه و جهان‌بینی اسلامی استریال لذا برای فهم درست آراء این رهبر ژرف اندیش ابتدا باید در قلمرو گفتمانی او (گفتمان اسلام) وقوف داشته باشیم و بر روی همان سکوی معرفتی بایستیم که وی از فراز آن جهان پیرامون خود را می‌نگریست.

در جهان بینی توحیدی حضرت امام خمینی (ره) نظام آفرینش یک نظام تک محور است که خداوند متعال در مرکز آن قرار دارد و تمامی کائنات در سایه مشیت و حکمت بالغه او پدیدار گردیده و از وجود او هستی گرفته است. مبتنی بر این جهان بینی رابطه موجودات با مبدأ آفرینش رابطه وابستگی و نیاز دائمی و بلاانقطاع می‌باشد. یعنی موجودات مستقل از خداوند نیستند، بلکه برای بقای خود پیوسته محتاج جریان فیض الهی‌اند.^۱

در نتیجه از منظر امام (ره) - که همان منظر اسلام است - چرخ جهان هستی بر محور قانون ازلی و ابدی «لا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ (هیچ منشأ اثری در عرصه وجود جز خداوند نیست.)» می‌گردد.

به موجب این قانون، پروردگار متعال توانای مطلق و فرمانروای کل جهان خلقت بوده و تنها اراده قاهر او در امور عالم منشأ تأثیر می‌باشد. لذا اراده موجودات صاحب اراده نیز همگی اعتباری و در طول اراده الهی است و هیچ کدام بی اذن او قادر به انجام کاری نیستند. امام خمینی (س) در کتاب گرانقدر چهل حدیث در تفسیر قانون مذکور می‌نویسد: «قدرت فقط در دستگاه قدس ربوبیت پیدا می‌شود و فاعل علی‌الاطلاق و مسبب الاسباب. آن ذات مقدس است. تمام مخلوقات اگر پشت به پشت هم دهند که یک پشه خلق کند نتوانند، و اگر پشه‌ای از آنها چیزی برباید، نتواند پس بگیرند. قدرت پیش حق تعالی است. اوست مؤثر در تمام موجودات. با هر زحمت و ریاضتی شده در قلب خود با قلم عقل نگارش ده که لا مؤثر فی الوجود إلا الله «نیست کار کنی در دار تحقق جز خدا.»^۲

۱- روح الله حسینیان، مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (جهان بینی و ایدئولوژی)، تهران: انتشارات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۸، صص ۳۳ - ۲۴.

۲ - امام خمینی، چهل حدیث، ص ۵۳

بر این اساس مخلوقات در برابر قدرت خداوند عاجزند و همگی باید تابع و فرمانبردار او باشند. لذا اگر مخلوقی از سرِ خود بزرگ بینی از اطاعت خداوند امتناع ورزد و در مقابل او و بندگانش گردن فرازی نماید، به عنوان عصیان‌گر و مستکبر شناخته می‌شود. نخستین مستکبر تاریخ خلقت شیطان است که با سرپیچی از فرمان الهی در مورد سجده کردن بر آدم از درگاه الهی رانده می‌شود و اولین جبهه استکباری را در مقابل خداوند تشکیل می‌دهد.

همچنین پس از هبوط آدم بر زمین و آغاز حیات بشری نیز همواره گروهی از انسان‌ها با پیروی از شیطان گام به حلقه مستکبران می‌گذارند و با اولیاء الهی و پیروان آنان به ستیز بر می‌خیزند. بدین ترتیب در طول تاریخ شاهد رویارویی جبهه باطل یا حزب الشیطان (مستکبرین) و جبهه حق یا حزب الله (مستضعفین) هستیم که پیوسته تداوم خواهد افت تا این که سرانجام در پایان تاریخ بر اساس قانون خدشه ناپذیر «وراثت ارض» انقلاب جهانی مستضعفین به رهبری مهدی موعود به وقوع بپیوندد و با شکست نهایی مستکبران، حکومت صالحان در سراسر جهان سایه گستر گردد. لذا حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یکی از رهبران جبهه حق استکبارستیزی را رکن اساسی نهضت خود قرار می‌دهد که تماماً بر شالوده گفتمان اسلامی پایه‌ریزی شده است.

۲) استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)

معمار کبیر انقلاب به تأسی از آموزه‌های اسلامی، محیط بین‌الملل را به صورت دو قطبی و بر مبنای مواجهه ایدئولوژیک دو جناح مستکبرین و مستضعفین می‌نگریست و سیاست اصلی انقلاب را حول محور تقابل و منازعه آشتی‌ناپذیر با کانون‌های استکبار جهانی در شرق و غرب و گسست کامل از آنان تعریف می‌نمود: «من بارها گفته‌ام و در این روز

بزرگ می‌گویم [تا] قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد.^۱

امام رسماً جدایی و عدم تعهد همه-جانبه نهضت را به ابرقدرت‌های مستکبر اعلام نمود و مسیر سومی را ترسیم کرد که «صراط مستقیم لا شرقیه و لا غربیه» نام دارد: «چنانچه این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد، از این جهت، ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد. و با پیمودن صراط مستقیم «لا شرقیه و لا غربیه» در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچیک از قدرتهای افسانه‌ای نهراسیده است که همین موجب پیروزیهای معجزه معجزه‌آسایش گردید؛ گر چه موجب توطئه‌ها و آتش‌افروزیهای فراوان علیه خودش هم شد لکن در هیچ مرحله‌ای عقب‌گرد نکرد.»^۲

امام خمینی (س) ماندن در زیر سلطه مستکبرین را مایه خفت و سرشکستگی مسلمانان می‌دانست: «آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با این همه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مرفقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟»^۳

حضرت امام (ره) به حاکم بودن قوانین و سنن الهی - خصوصاً قانون وراثت ارض و غلبه محتوم بلوک حق بر باطل - در محیط بین‌الملل یقین راسخ داشت و از این قوانین به عنوان تضمین شکست قطعی و محتوم جبهه مستکبرین کمک می‌گرفت: «هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، پیاخیزید و دست اتحاد به هم دهید

۱ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۷ - ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

۲ - همان، ج ۱۸، ص: ۴۶۲-۵ ۱۳۶۳/۳/۷

۳ - همان، ج ۱۵، ص: ۱۷۲ - ۱۳۶۰/۶/۱۵

و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.^۱

«سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپاخیزند؛ بلکه مستضعفین بپاخیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند.»^۲

«خداوند تعالی وعده فرموده است که مستضعفین ارض را با منت خودش و توفیق خودش بر مستکبرین غلبه دهد و آنها را امام قرار دهد پیشوا قرار دهد. وعده خداوند تعالی نزدیک است. من امیدوارم که ما شاهد این وعده باشیم و مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند؛ چنانچه تا کنون غلبه کردند.»^۳

امام خمینی (س) با اطمینان کامل به صدق وعده وراثت ارض در قرآن کریم، همه مستضعفان جهان را به خودآگاهی، تشکل و ایجاد یک سنگر مقاومت و یک بلوک ضد هژمون رویاروی جبهه استکبار فرامی‌خواند: «من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند، و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعده اسلام را- که حکومت مستضعفین

۱ - همان، ج ۱۵، ص ۱۷۱- ۱۳۶۰/۶/۱۵

۲ - همان، ج ۷، ص ۲۹۲- ۱۳۵۸/۲/۲۴

۳ - همان، ج ۵، ص ۴۵۷- ۱۳۵۸/۱/

بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - متحقق کنند. تا کنون مستضعفین متفرق بودند، و با تفرقه، کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع‌تری، در تمام قشرهای انسانهای تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین»، که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین، وارث ارض باید بشوند.^۱

«خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد، و این مستکبرین را از صحنه تاریخ خارج بکند. و ما ابتداست که قیام کردیم برای این معنا. و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم. و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه روزگار بیرون کنند. و از تاریخ بیرون برانند.»^۲

امام خمینی(س) هر گونه امکان سازش با مستکبرین را منتفی می‌دانست و از میان رفتن جبهه استکبار را تنها راه رسیدن مستضعفان جهان به حقوق خود می‌پنداشت. به همین خاطر اکیداً راهکار پرخاشگری و اتخاذ مواضع تهاجمی علیه قدرت‌های مستکبر را به مستضعفین محروم توصیه می‌کرد: «عموم مستضعفین باید به هم پیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند.»^۳

۱ - همان، ج ۹، ص ۲۸۰ - ۱۳۵۸/۵/۲۷

۲ - همان ج ۱۱، ص ۱۳۳ - ۱۳۵۸/۹/۵

۳ - همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴ - ۱۳۵۸/۱۱/۲۰

«ای مسلمانان جهان وای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت‌ها پرخاش کنید.»^۱

«عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند.»^۲

در حقیقت امام با ارائه یک ایدئولوژی سیاسی بدیع که ابداً وامدار هیچ کدام از ایدئولوژی‌های مسلط شرق و غرب نبود، توانست رهبری فکری و اخلاقی ملت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش را در جوامع جهان سوم برعهده گیرد و چالشی عظیم و بی‌سابقه را فراروی ابرقدرت‌های نظام بین‌الملل ایجاد کند. امام در رویکرد کلان و بلندمدت خود، جهان را آرمان‌گرایانه می‌نگریست و هدف بسط نفوذ اسلام در سراسر عالم و نابودی بلوک مستکبرین را پی می‌گرفت: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود.»^۳

۱ - همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹ - ۱۳۵۸/۸/۳۰

۲ - همان، ج ۱۰، ص ۲۰۶ - ۱۳۵۸/۷/۱۱

۳ - همان، ج ۲۱، ص ۸۱

و سرانجام این که امام نسخه استکبارستیزی اسلام را که موجب پیروزی انقلاب اسلامی گردید، هرگز محدود و منحصر به قلمرو جغرافیایی ایران نمی دانست بلکه آن را به عنوان نسخه ای شفافبخش برای همه مستضعفان و قابل تحقق در تمامی نقاط جهان تلقی می کرد و لذا خواستار صدور الگوی انقلاب ایران به سایر نواحی و الگوگیری دیگر ملل دریند مستکبران از مبارزات پیروزمندانه ایرانیان بود: «ما می خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگیها را داشته باشد و این معنایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق، گرفتنی است، و الا اعطا نخواهند کرد.»^۱

«امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و برای همه مستضعفین، برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر بشود و همه همان راهی که برای شما هست و غلبه کردید بر دشمن اسلام و دشمن ملت، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین.»^۲

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.»^۳

۳) استکبارستیزی در وصایای امام خمینی (ره)

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که بارهبری بزرگ ترین انقلاب ضد استکباری تاریخ معاصر جهان تحول شگرفی در محیط بین الملل ایجاد کرد و علاوه بر شکست ابرقدرت

۱ - همان، ج ۱۳، ص ۹۳- ۱۳۵۹/۵/۲۰

۲ - همان، ج ۱۳، ص ۱۱۹ و ۱۲۰- ۱۳۵۹/۵/۲۶

۳ - همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸- ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

ها موجب بیداری ملت‌های آزادی‌خواه تحت سلطه مستکبران گردید، در خرداد ۱۳۶۸ به دیار باقی شتافت و خیل مشتاقان خود را تنها گذاشت. لکن امام خمینی (س) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی‌اش که میراث گرانقدر وی محسوب می‌شود، افق حرکت ملت ایران و همه مستضعفان جهان را به روشنی ترسیم نموده است.

امام با تأکید دوباره بر راهبرد استکبارستیزی و تحریک توده‌های انسانی به خیزش علیه ابرقدرت‌ها نشان می‌دهد که این راهبرد ویژگی مقطعی ندارد بلکه تا رسیدن به مقصود نهایی می‌بایست پیوسته سرلوحه کار جبهه مستضعفین باشد. ایشان خطاب به تمامی پویندگان راه آزادی می‌نویسد: «وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند... و شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پیاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»^۱

جالب این جاست که امام خمینی (س) با نگاه ژرف و تیزبین خود به خوبی تشخیص داده بود که عصر بیداری و آگاهی ملت‌ها فرا رسیده است لذا در وصیت‌نامه خود

امیدوارانه شکل‌گیری قریب الوقوع جنبش‌های رهایی بخش برای خروج از زیر وغ استکباری سلطه گران را نوید می‌دهد: «اکنون ملت‌های محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد. و شما مسلمانان پایبند به ارزشهای اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد»^۱ در نتیجه می‌بینیم که آرمان استکبارستیزی محصول تفکرات شخصی امام خمینی (س) نبوده و ریشه در عمق تعالیم اسلامی دارد و نه تنها ایشان بلکه تمامی کسانی که خود را پیرو راه اولیاء الهی و داخل در جبهه حق پرستان می‌دانند، موظف به ستیز با مستکبران هستند.

بخش پنجم: دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه استکبارستیزی

اکنون که بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد، مواجهه با این سوال که دستاورد چهل و شش سال استکبارستیزی برای انقلاب اسلامی چه بوده است؟ شاید اذهان بسیاری از باورمندان به انقلاب را نیز درگیر نموده باشد. در راستای پاسخ به این پرسش، تلاش شده است تا در سه محور دستاوردهای انقلاب اسلامی را در حوزه استکبارستیزی را مرور نمائیم.

۱) محور اول: دستاوردهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...

استکبارستیزی

- مهمترین و اصلی ترین دستاورد گفتمان ضد استکباری انقلاب اسلامی، شکست هیمنه نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا در ایران و جهان بود.
- اخراج ۵۰ هزار مستشار آمریکایی از ایران در اوایل انقلاب اسلامی، که همه شئون نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاستگذاری کشور را در اختیار داشتند، اولین سیلی انقلاب اسلامی به جبهه استکبار بود.
- انقلاب اسلامی سفارت اسرائیل را تعطیل و سفارت فلسطین را جایگزین آن کرد؛ و با این کار موج ضد اسرائیلی را در جهان گسترش داد.
- تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط جوانان انقلابی، انقلاب اسلامی را جهانی کرد و بقاء آن را تضمین کرد.

- انقلاب اسلامی توانست جبهه استکبار را در همه فتنه‌های سهمگین از ابتدای انقلاب تا کنون شکست دهد. از فتنه‌های قومیتی اوایل انقلاب تا فتنه‌های سیاسی سال‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۱۴۰۱.
- ناو چند میلیارد دلاری بریچتون آمریکا، با مین‌های چند صد هزار تومانی ما در خلیج فارس از بین رفت.
- قبل از انقلاب اسلامی، مستشاران جبهه استکبار در ایران دو طرف قرارداد بودند و یک کارمند سفارت آمریکا برای تغییر اعضای کابینه و سایر امور مهم کشور تصمیم‌گیری می‌کرد، اما اکنون رئیس‌جمهور آمریکا باید برای قانع کردن کشورهای زیردست، خود وارد عمل شود.
- آمریکا تنها کشوری است که رسماً در حمایت از صدام وارد جنگ با ایران شد، و بخاطر شکستی که خورد، به زدن هواپیمای مسافربری ماروی آورد.
- فراگیر شدن گفتمان «استکبارستیزی»، در طول حیات انقلاب اسلامی، آمریکا را در میان ملت‌های جهان هر روز منفورتر کرده است. بگونه‌ای که ملت‌های جهان که تا قبل از انقلاب، با گل از رئیس‌جمهور آمریکا استقبال می‌کردند، امروزه با تظاهرات سراسری و آتش زدن پرچم آمریکا به استقبال وی می‌روند.
- به برکت گفتمان استکبارستیزی انقلاب اسلامی، آمریکا بگونه‌ای تحقیر شده است که امروزه رئیس‌جمهور آمریکا مجبور می‌شود، برای کنترل کشور کوچکی همچون کره شمالی، به رئیس‌جمهور این کشور درخواست مذاکره دهد و با او دیدار کند.

- شکست مفتضحانه آمریکا در سوریه، نتیجه پابندی عملی انقلاب اسلامی به گفتمان استکبارستیزی خود بوده است.
- تشکیل گروه‌های مقاومت همچون حماس، جهاد اسلامی، حزب الله، حشد الشعبی، انصار الله در جهان اسلام، محصول فراگیر شدن گفتمان «استکبارستیزی» توسط انقلاب اسلامی است.
- پیش از انقلاب، صرف خبر حرکت ناو آمریکایی، دولت مورد تهدید آمریکا را ساقط می‌کرد؛ اما اکنون جبهه استکبار، در مقابل اسارت افسران در خلیج فارس، جرأت کوچکترین واکنشی ندارند.
- گسترش بیداری اسلامی در سراسر جهان و حتی پیروزی جنبش‌های غیراسلامی، همچون ساقط شدن رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، مرهون گسترش گفتمان ضد استکباری انقلاب اسلامی است.
- شعار «استکبارستیزی» بعد از انقلاب، مسأله تمام شده و فراموش شده فلسطین را احیاء و به مسأله اول جهان اسلام تبدیل کرد.
- جوانان انقلابی حزب الله لبنان با الهام از شعار «استکبارستیزی» انقلاب اسلامی، لبنان را پس از سال‌ها، از اشغال اسرائیل آزاد کردند.
- انقلاب اسلامی، آمریکا را از چرخه تصمیم‌گیری درباره فلسطین، سوریه، عراق و... خارج کرد.
- بعد از انقلاب اسلامی، نتیجه تجاوزات آمریکا به هر کشوری، همگی شکست بود.

- دستاوردهای گفتمان ضد استکباری انقلاب اسلامی در جهان بگونه‌ای بود که دولتمردان آمریکایی را مجبور کرد تا برای مهار ملت‌ها و کشورهای مختلف، بودجه‌های نجومی صرف نماید؛ بگونه‌ای که اقتصاد آمریکا اکنون جزء اقتصادهای ورشکسته دنیا با بدهی‌های سنگین خارجی است.
- انقلاب اسلامی مفهوم ابرقدرتی آمریکا را ابطال کرد. چرا که تصمیماتی که اعلام می‌کند را در عمل نمی‌تواند پیاده نماید و اراده اش در مسائل جهانی جاری نیست.

۲) محور دوم: دستاوردهای گفتمانی استکبارستیزی

- با تلاش‌های نظری و عملی امامین انقلاب و علی‌رغم تلاش‌های چندین ساله جریان غربگرا در کشور، «استکبارستیزی» اکنون یکی از اصلی‌ترین گفتمان‌های انقلاب اسلامی در کشور تلقی می‌شود.
- در طول ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی، همواره بخش مهم و قابل توجهی از سخنان حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب، به تبیین نظری، قرآنی و روایی «استکبارستیزی» اختصاص داشته است.
- تطبیق عینی مستکبرین امروزی با نمادها و شخصیت‌های قرآنی و تاریخی همچون «شیطان»، «فرعون»، «یزید» و... از تلاش‌های گفتمانی اختصاصی امامین انقلاب بوده است.
- نماد سازی از «آمریکا» به عنوان مظهر «استکبار» و اطلاق عنوان «شیطان بزرگ» به آمریکا، توسط امامین انقلاب، به ترویج گفتمان استکبارستیزی در کشور کمک شایانی کرد.

- علی رغم تلاش‌های جریان غربگرا برای دشمن‌سازی‌های انحرافی، امامین انقلاب اسلامی، ذره‌ای از معرفی «آمریکا» به عنوان دشمن مستکبر اصلی عدول نکردند.
- علی رغم اجازه‌های مقطعی و مصلحتی رهبر انقلاب به برخی مسئولین برای مذاکره با آمریکا، مفهوم «استکبارستیزی» حتی لحظه‌ای از سپهر گفتمانی ایشان فروکش نکرد.
- برخلاف القاء جریان غربگرا در کشور، رهبرانقلاب حتی مفاهیم جدیدی همچون «نرمش قهرمانانه» را در ذیل مفهوم «استکبارستیزی» تعریف کردند.
- اجازه رهبرانقلاب به تجربه شدن «برجام»، کمک شایانی به تثبیت گفتمان «استکبارستیزی» در کشور کرد.
- برتری گفتمان استکبارستیزی در بین برخی کشورهایی که سرانش نوکر استکبارند، آنان را نیز وادار کرده که در مواردی علیه جبهه استکبار موضع‌گیری کنند.
- مراسم براءت از مشرکین در حج، مولود گفتمان ضد استکباری انقلاب اسلامی است.
- برگزاری راهپیمایی روز قدس در سراسر جهان، دلیل واضحی بر موفقیت انقلاب اسلامی در ترویج گفتمان استکبارستیزی است.
- جوشش گفتمان ضد استکباری در مراسمی همچون نمازهای جمعه، عزاداری اباعبدالله، حج، پیاده روی اربعین و ...، بیانگر تعمیق گفتمان استکبارستیزی در میان ملت‌های مسلمان است.

- انقلاب اسلامی، گفتمان «استکبارستیزی» را حتی در کشورهای غیرمسلمان هم فراگیر کرد.

۳) محور سوم: دستاوردهای داخلی استکبارستیزی

- حاکمیت گفتمان «استکبارستیزی» در میان مسئولان نظامی، منجر به بروز دستاوردهای بی نظیر دفاعی و خودکفایی در این عرصه شد.
- امنیت بی نظیر حاکم در کشور، مرهون پایداری به گفتمان ضد استکباری و مقاومت در برابر مستکبرین عالم است؛ به فرموده امیرالمؤمنین (ع) من طلب السلامه، لزم الاستقامه.
- آزادی امروز مانتيجه آرمان ضد استکباری ماست. (ویضع عنهم اصرهم و الأغلال التي كانت عليهم...).
- خودکفایی علمی و اقتصادی در طول حیات طیه‌ی جمهوری اسلامی ایران، نتیجه فراگیر شدن گفتمان استکبارستیزی است. جمهوری اسلامی به واسطه شعار استکبارستیزی خود، در عرصه‌های علمی و عمرانی آن چنان پیشرفت کرد که آمریکا و کشورهای غربی برای جلوگیری از الگو شدن ایران در میان ملت‌های مسلمان، برای پیشرفت‌های ظاهری برخی کشورهای عربی منطقه کمک‌های نجومی کردند.

